تحلیل کیفی بکارگیری وقف در راستای توسعه ورزش (مورد مطالعه: استان زنجان)
تحلیل کیفی بکارگیری وقف در راستای توسعه ورزش: ملاحظات نظری و راهبردهای عملی

احمد فلاحی [۱*]، امید مهدیه [۲]، داود عباسی [۳]

۱) گروه علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران
۲) گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران
۳) گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران
مکاتبات خطاب به دکتر احمد فلاحی؛ **رایانامه:** afallahi@znu.ac.ir

https://orcid.org/0000-0001-8133-0711
https://orcid.org/0000-0001-5148-7179
https://orcid.org/0000-0002-8154-192X

نسخهٔ پذیرفته‌شده پیش از انتشار

چکیده

سابقه و هدف: وقف به عنوان یکی از نهادهای فرهنگی و دینی در اسلام، ظرفیت مهمی برای توسعه اجتماعی و حمایت از ورزش دارد. با وجود پیشینه تاریخی وقف در امور عام‌المنفعه، بهره‌گیری از آن در توسعه ورزش کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی بهره‌گیری از فرهنگ وقف در توسعه ورزش انجام شد.

روش کار: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد. اشباع داده‌ها پس از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۷ نفر از مدیران اوقاف، مدیران ورزشی و اساتید دانشگاه حاصل شد. داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تحلیل قرار گرفت. برای افزایش اعتبار یافته‌ها از مقایسه مستمر داده‌ها و بازبینی مشارکت‌کنندگان استفاده شد.

یافته‌ها: طبق یافته‌ها، «توسعه ورزش از طریق وقف» به عنوان پدیده محوری تعیین گردید. شرایط علّی مدل شامل انگیزه‌های معنوی و اجتماعی، پیشینه فرهنگی و وضعیت اعتقادی جامعه بودند. ساختارسازی، شفافیت و اعتمادسازی، ترویج فرهنگ وقف و تعامل میان نهادهای ورزشی و سازمان اوقاف به عنوان راهبردهای اصلی در نظر گرفته شدند. علاوه بر این، ظرفیت نهادی و متولیان وقف در قالب شرایط زمینه‌ای، و مشوق‌های بیرونی، چالش‌ها، موانع اجرایی و تغییر ارزش‌های نسل جدید به عنوان شرایطه مداخله‌گر شناسایی شدند. تعامل میان عوامل علّی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیاده‌سازی راهبردها می‌توند منجر به پیامدهایی از قبیل تأمین مالی پایدار ورزش، افزایش عدالت ورزشی، تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی شود.

نتیجه‌گیری: توسعه ورزش بر پایه وقف زمانی پایدار و اثربخش خواهد بود که با رویکردی فرهنگی، مدیریتی و مشارکتی دنبال شود. وقف می‌تواند به عنوان سازوکاری پایدار، نقش مهمی در توسعه ورزش و گسترش عدالت اجتماعی ایفا کند.

واژه‌های کلیدی: وقف، موقوفات اسلامی، توسعه ورزش، اعتماد اجتماعی، نظریه داده‌بنیاد.

A Qualitative Analysis of the Application of Waqf in Sports Development: Theoretical Considerations and Practical Strategies

Ahmad Fallahi[1*], Omid Mahdieh[2], Davood Abbasi[3]

1. Department of Sport Sciences, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran
2. Department of Management, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran
3. Department of Management, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

Abstract

Background and Purpose: Waqf, as one of the cultural and religious institutions in Islam, has significant potential for social development and support for sports. Despite the historical role of waqf in charitable and public-benefit activities, its application in sports development has received limited attention. Therefore, the present study aimed to investigate how the culture of waqf can be utilized in the development of sports.

Methods and materials: This study was conducted using a qualitative approach and grounded theory methodology. Data saturation was achieved after conducting semi-structured interviews with 17 participants, including waqf managers, sport managers, and university professors. The data were analyzed using open, axial, and selective coding. To enhance the credibility of the findings, constant comparison of data and member checking were employed.

Results: Based on the findings, "sport development through waqf" emerged as the core phenomenon of the model. The causal conditions of the model included spiritual and social motivations, cultural background, and the religious orientation of the society. Institutional structuring, transparency and trust-building, promoting the culture of waqf, and interaction between sports institutions and the Awqaf organization were considered as the main strategies. In addition, institutional capacity and endowment trustees were identified as contextual conditions, and external incentives, challenges, implementation barriers, and changing values of the new generation were identified as intervening conditions. The interaction between causal factors, contextual and intervening conditions, and the implementation of strategies can lead to outcomes such as sustainable sports financing, increasing sports justice, strengthening social capital, and public trust.

Conclusion: Sports development based on waqf will be sustainable and effective when pursued through cultural, managerial, and participatory approaches. Waqf can serve as a sustainable mechanism playing a significant role in sports development and the expansion of social justice.

Keywords: Waqf, Islamic endowments, sport development, social trust, grounded theory.

مقدمه

ورزش به ابزاری قدرتمند برای ارتقای سلامت عمومی، فراگیری اجتماعی و توسعه اقتصاد محلی تبدیل شده است. در آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان معصوم (ع)، به فعالیت بدنی به‌عنوان عاملی مؤثر در حفظ سلامت جسمانی و تندرستی، به‌منظور انجام امور معنوی و دینی که در نهایت به پاسداری از ارزش‌های انسانی منجر می‌شود، توجه ویژه‌ای شده است (۱). مشارکت در فعالیت‌های ورزشی نه تنها سلامت جسمی و روانی را بهبود می‌بخشد، بلکه انسجام اجتماعی، جامعه‌سازی و سرمایه اجتماعی را نیز تقویت می‌کند (۲, ۳). علاوه بر این، زیرساخت‌ها، رویدادها و سازمان‌های مرتبط با ورزش، فرصت‌های شغلی و مزایای اقتصادی گسترده‌تری را در جوامع ایجاد می‌کنند (۴). با این حال، توسعه پایدار ورزش، بویژه در سطوح پایه و منطقه‌ای، نیازمند منابع مالی پایدار، متنوع و بلندمدت است (۵). اتکای سنتی به بودجه‌های دولتی، به‌ویژه در مناطقی با محدودیت‌های مالی، اغلب پاسخگوی نیازهای توسعه‌ای نیست و همین امر ضرورت بررسی سازوکارهای تأمین مالی جایگزین و مبتنی بر ظرفیت‌های فرهنگی را تقویت می‌کند (۶).

در این زمینه، وقف به‌عنوان یک ظرفیت نهادی نویدبخش (اما کمتر بررسی‌شده) می‌تواند نقش بالقوه‌ای در حمایت از توسعه ورزش ایفا کند. وقف به فرایندی اشاره دارد که طی آن دارایی‌هایی مانند زمین، ساختمان یا منابع نقدی به‌صورت دائمی برای تحقق اهداف خیریه، مذهبی یا عام‌المنفعه اختصاص می‌یابند (۷). وقف بازده‌ای مستمر (مثلاً درآمد اجاره، سرمایه‌گذاری و غیره) ایجاد می‌کند که می‌تواند بدون کاهش اصل سرمایه، به سمت خدمات اجتماعی هدایت شود. از نظر تاریخی، وقف نقش محوری در تأمین مالی آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و رفاه عمومی در جوامع اسلامی داشته است (۸). مطالعات اخیر نیز بر همسویی آن با اهداف توسعه پایدار تأکید کرده‌اند و فعالیت‌های وقف را به کاهش فقر، آموزش با کیفیت، خدمات بهداشتی و توسعه اقتصادی و زیرساخت‌ها مرتبط می‌دانند (۹-۱۴).

پژوهش‌های موازی در حوزه خیریه ورزشی نیز اهمیت کمک‌های ساختاریافته را برجسته کرده‌اند. افروزه و همکاران (۱۳۹۶)، مشارکت جامعه و وقف را به‌عنوان عوامل مهم در بسیج منابع خیرین ورزشی شناسایی کردند، اگرچه موانع ساختاری و سازمانی همچنان می‌توانند اثربخشی این همکاری‌ها را محدود کنند. در همین راستا، شواهد حاصل از مطالعات گسترده‌تر در زمینه وقف، ظرفیت آن را برای حمایت از توسعه پایدار اجتماعی- اقتصادی نشان داده است. برای مثال، پژوهش‌ها بیان کرده‌اند که صندوق‌های سرمایه‌گذاری وقف می‌توانند جریان‌های مالی پایدار و قابل اتکایی را برای حمایت از کالاهای عمومی و زیرساخت‌های اجتماعی فراهم کنند (15). محققان (16)، مدل‌های مدرن توسعه وقف را همسو با مقاصد شریعت و اهداف توسعه پایدار پیشنهاد کرده‌اند.

با وجود این پیشرفت‌های موازی در ادبیات خیریه ورزشی و وقف، همچنان شکاف قابل‌توجهی میان دانش موجود درباره وقف و کاربرد عملی آن در توسعه ورزش وجود دارد. مطالعات پیشین در این حوزه عمدتاً فاقد سه مؤلفه اساسی هستند: ۱) شواهد تجربی درباره چگونگی به‌کارگیری و اثربخشی مدل‌های وقف در تأمین مالی زیرساخت‌ها و برنامه‌های ورزشی؛ ۲) چارچوب مفهومی مشخص برای انطباق سازوکارهای وقف (مانند وقف نقدی و وقف شرکتی) با نیازهای مالی و سازمانی ویژه بخش ورزش؛ و ۳) شناخت کافی از ادراکات، نگرش‌ها و میزان آمادگی ذینفعان کلیدی، شامل خیرین، نهادهای متولی وقف، سیاست‌گذاران و سازمان‌های ورزشی، نسبت به به‌کارگیری این رویکرد نوآورانه.

در راستای پاسخ به این شکاف، پژوهش حاضر با هدف توسعه یک مدل مفهومی برای توسعه ورزش مبتنی بر وقف در استان زنجان انجام شده است. این مدل با شناسایی شرایط زمینه‌ای، سازوکارهای راهبردی و پیامدهای مورد انتظار، تلاش می‌کند درک عمیق‌تری از چگونگی پیوند یک نهاد مالی-اجتماعی ریشه‌دار با نیازهای توسعه ورزش ارائه دهد. در نهایت، این پژوهش ضمن توسعه مباحث نظری درباره سازوکارهای جایگزین تأمین مالی ورزش، بینش‌های کاربردی لازم برای بهره‌گیری از ظرفیت وقف در مسیر توسعه پایدار ورزش را فراهم می‌کند.

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

مبانی نظری

این بخش، مبانی نظری وقف را بررسی کرده و بر موضوعاتی تمرکز دارد که مستقیماً با کاربرد آن در توسعه ورزش مرتبط هستند. این بخش در چهار محور اصلی سازماندهی شده است: مبانی تاریخی و مفهومی وقف، نوآوری‌های معاصر در مدل‌های وقف، مسائل حکمرانی و پاسخگویی، و مشارکت‌های اجتماعی-اقتصادی. در پایان، با جمع‌بندی مفاهیم، پیامدهای توسعه ورزش و شکاف پژوهشی مورد توجه این مطالعه تبیین می‌شود. همچنین تلاش شده تا میان تأمین مالی اجتماعی اسلامی و مدیریت ورزشی پیوند برقرار شده و وقف به‌عنوان سازوکاری پایدار، فرهنگی و تأثیرگذار برای توسعه پایدار ورزش، بویژه در جوامع مسلمان، معرفی شود.

مبانی تاریخی و مفهومی وقف

وقف ریشه در اصل خیریه دائمی دارد که در آن یک اهداکننده، دارایی‌هایی را برای منافع عمومی پایدار وقف می‌کند. از نظر تاریخی، املاک وقفی شامل زمین‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و تأسیسات آبی بودند که چشم‌انداز اجتماعی-اقتصادی تمدن‌های مسلمان را به طور قابل توجهی شکل می‌دادند (۱۷). از نظر تئوری، وقف با اهداف والای شریعت همسو است که به اهداف کلی شریعت اسلامی با هدف حفظ و ارتقای ارزش‌های اساسی مانند رفاه انسانی، عدالت و ثبات اجتماعی اشاره دارد (۱۸). وقف از طریق حمایت از این اهداف، به ارتقای رفاه عمومی، تقویت عدالت اجتماعی و افزایش ثبات جوامع کمک می‌کند با پیچیده‌تر شدن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در جوامع معاصر، پژوهشگران بر ضرورت بازتعریف و احیای کارکردهای وقف از طریق رویکردهای مدیریتی نوین تأکید کرده‌اند؛ بویژه در حوزه‌هایی که نیازمند سازوکارهای تأمین مالی پایدار و بلندمدت هستند (۱۹)، زمینه‌ای که توسعه ورزش بدون شک به آن تعلق دارد.

نوآوری در وقف

دارایی‌های وقف سنتی با محدودیت‌هایی از قبیل نقدینگی پایین، عدم انعطاف‌پذیری و بار مدیریتی مواجه هستند (۲۰). در سال‌های اخیر، مدل‌های نوآورانه‌ای برای غلبه بر این محدودیت‌ها معرفی شده‌اند:

- وقف نقدی (Cash Waqf)، کمک‌های کوچک‌تر و مشارکتی را امکان‌پذیر می‌کند، فرایند وقف را دموکراتیک می‌کند و دسترسی اجتماعی-اقتصادی را افزایش می‌دهد (21).
- وقف شرکتی (Corporate Waqf)، دارایی‌ها یا سودها را در پروژه‌های دارای مدیریت حرفه‌ای ادغام می‌کند، که بیانگر بنیادهای شرکتی است و با اهداف مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها همسو می‌باشد (۲۲).
- وقف خدماتی (Service Waqf) شامل اختصاص خدمات به جای دارایی‌های فیزیکی است و بویژه در برنامه‌های ورزشی که تخصص حرفه‌ای (مانند مربیگری، مدیریت) یک دارایی کلیدی است، کاربرد دارد (۲۱).

موفقیت این الگوها به اصلاحات مدیریتی، تقویت سازوکارهای حکمرانی و جلب مشارکت مؤثر عمومی برای غلبه بر بدبینی و آگاهی محدود جامعه بستگی دارد (۲۳)؛ موضوعی که در حوزه‌های نوظهوری مانند ورزش، به دلیل نیاز به بسیج منابع و اعتماد ذی‌نفعان، از اهمیت دوچندانی برخوردار است.

حکمرانی، پاسخگویی و شفافیت در مؤسسات وقف

حکمرانی، پاسخگویی و شفافیت از مهم‌ترین موضوعات در ادبیات وقف هستند، زیرا اثربخشی این نهادها به اعتماد ذی‌نفعان و توانایی آن‌ها در مدیریت پایدار منابع وابسته است. یک مطالعه تحلیلی مبتنی بر ۲۸ پژوهش تجربی نشان داده است که ضعف ظرفیت نهادی، نبود رویه‌های استاندارد مدیریتی و فقدان سازوکارهای مناسب گزارش‌دهی، عملکرد مؤسسات وقف را تضعیف می‌کند. همچنین چالش‌های حکمرانی و شفافیت در بسیاری از نظام‌های وقف همچنان پابرجاست (24).

نسخهٔ پذیرفته‌شده پیش از انتشار

مطالعات مختلف نیز نشان داده‌اند که مؤسسات وقف در سطح جهانی با مسائل پاسخگویی و شفافیت مواجه هستند (25). برای مثال، در برخی زمینه‌ها ضعف ساختارهای حکمرانی موجب کاهش اعتماد به نهادهای مذهبی اسلامی شده است (26). همچنین پژوهش‌های انجام‌شده در مالزی به ناکارآمدی‌های مدیریتی و شکاف‌های نظارتی در مدیریت وقف اشاره کرده‌اند (27). افزون بر این، با وجود سابقه تاریخی طولانی وقف، مواردی از سوءمدیریت و استفاده ناکارآمد از منابع همچنان گزارش شده است (28). این چالش‌ها در توسعه ورزش اهمیت بیشتری دارند، زیرا موفقیت برنامه‌های ورزشی مبتنی بر وقف به اعتماد عمومی، مدیریت شفاف و سازوکارهای پاسخگو برای بسیج منابع و حفظ مشارکت بلندمدت ذی‌نفعان وابسته است

وقف و توسعه اجتماعی-اقتصادی

ادبیات موجود، وقف را یکی از ارکان مهم تأمین مالی اجتماعی اسلامی معرفی کرده و نقش آن را در حمایت از اهدافی مانند کاهش فقر، آموزش، سلامت و توسعه اجتماعی برجسته ساخته است. مطالعات معاصر نیز نشان می‌دهند که وقف همچنان می‌تواند ابزاری برای حمایت از رفاه عمومی و توسعه جامعه باشد (24).

با این حال، تحقق این ظرفیت توسعه‌ای به پایداری نهادی و کیفیت حکمرانی وابسته است. برخی مطالعات به عملکرد نامتوازن و ناکارآمدی برخی صندوق‌های وقف اشاره کرده‌اند (29)، در حالی که پژوهش‌های دیگر بر نقش حکمرانی مطلوب در افزایش پایداری و اثربخشی مؤسسات وقف تأکید دارند (30). بنابراین، بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت وقف در توسعه ورزش مستلزم تقویت ساختارهای مدیریتی، افزایش شفافیت و ایجاد سازوکارهای پایدار مدیریت منابع است

مفهوم‌سازی کاربرد وقف در توسعه ورزش

بررسی ادبیات نشان می‌دهد که وقف از نظر مفهومی، ابزاری و توسعه‌ای ظرفیت حمایت از پروژه‌های عام‌المنفعه را دارد، اما کاربرد مستقیم آن در توسعه ورزش کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، اصول بنیادین وقف با سازوکارهای تثبیت‌شده تأمین مالی ورزش، از جمله نیکوکاری ورزشی، هبه و مسئولیت اجتماعی شرکتی ((CSR، شباهت دارد. در بسیاری از نظام‌های ورزشی، به‌ویژه در زمینه‌های غربی، توسعه ورزش با کمک بنیادهای خیریه، مشارکت‌های بشردوستانه و برنامه‌های CSR حمایت شده است (33-31).

از این منظر، وقف می‌تواند به‌عنوان سازوکاری مکمل و مبتنی بر فرهنگ برای تقویت مدل‌های موجود تأمین مالی ورزش مطرح شود. توسعه پایدار ورزش به منابع مالی بلندمدت، ثبات نهادی و مشارکت اجتماعی نیاز دارد؛ ویژگی‌هایی که با ماهیت دائمی وقف و مدل‌هایی مانند وقف نقدی هم‌راستا هستند. تجربه بنیادهای ورزشی و برنامه‌های CSR نیز نشان داده است که کمک‌های ساختاریافته می‌توانند در توسعه آکادمی‌های ورزشی، ایجاد زیرساخت‌ها و ارتقای مشارکت اجتماعی نقش مؤثری ایفا کنند (34). همچنین ابتکارات CSR با تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد ارزش اجتماعی پایدار، اهمیت حکمرانی مناسب منابع خیریه را نشان داده‌اند (35).

در همین راستا، ادغام بنیادهای خیریه با سازمان‌های ورزشی می‌تواند اهداف مسئولیت اجتماعی را با راهبردهای سازمانی پیوند دهد و الگویی برای بهره‌گیری از ظرفیت وقف در ورزش فراهم کند (36). وقف از طریق حفظ اصل سرمایه و اختصاص منافع آن به اهداف اجتماعی، ساختاری مشابه هبه‌های سازمان‌یافته ایجاد می‌کند. همچنین وقف نقدی مشارکت افراد با منابع مالی محدود را تسهیل می‌کند و وقف شرکتی نیز به سازمان‌ها اجازه می‌دهد بخشی از دارایی‌ها یا سود خود را به توسعه برنامه‌های ورزشی اختصاص دهند (22).

شواهد تجربی نیز اهمیت اعتماد و انگیزه‌های خیرخواهانه را در موفقیت این مدل‌ها تأیید می‌کنند. مطالعات نشان داده‌اند که فعالیت‌های خیرخواهانه مالکان و سازمان‌های ورزشی سرمایه اجتماعی و اعتماد جامعه را افزایش می‌دهد (31). همچنین انگیزه‌هایی مانند اعتماد، ادراک اثر اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی نقش مهمی در تصمیم خیرین برای

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

مشارکت در فعالیت‌های ورزشی دارند (۱۰). این موضوع نشان می‌دهد که شناخت سازوکارهای ایجاد اعتماد و انگیزه‌های مشارکت، یکی از الزامات توسعه مدل‌های وقف ورزشی است.

منطق‌های متفاوت بخشش: وقف در برابر نیکوکاری ورزشی

با وجود شباهت در پیامدهای اجتماعی، وقف و نیکوکاری ورزشی بر منطق‌های نهادی متفاوتی استوارند. وقف در چارچوبی دائمی، مبتنی بر ارزش‌های دینی و دارای الزامات قانونی خاص عمل می‌کند که در آن حفظ دارایی، مشروعیت مذهبی و نظارت شرعی نقش اساسی دارند (37). در مقابل، نیکوکاری ورزشی عمدتاً در چارچوب‌های سکولار، CSR و اهداف اجتماعی قابل اندازه‌گیری شکل می‌گیرد و عواملی مانند اعتبار سازمانی، تعامل اجتماعی و نتایج قابل مشاهده بر آن اثر می‌گذارند (38). بنابراین، وقف صرفاً معادل نیکوکاری ورزشی نیست، بلکه الگویی متمایز از تأمین مالی اجتماعی مبتنی بر تداوم، حفظ سرمایه و مسئولیت جمعی است. این تفاوت، ضرورت بررسی تجربی چگونگی انطباق وقف با نیازهای توسعه ورزش و نقش آن در ایجاد یک مدل پایدار تأمین مالی ورزشی را برجسته می‌کند.

جمع‌بندی: خلاء پژوهشی

مبانی نظری موجود، وقف را به‌عنوان نظامی نهادینه از تأمین مالی اجتماعی اسلامی معرفی می‌کند که با میراث تاریخی طولانی و نوآوری‌هایی مانند وقف نقدی و وقف شرکتی، ظرفیت قابل توجهی برای بسیج منابع پایدار و بلندمدت دارد. با این حال، اثربخشی آن به حکمرانی قابل اعتماد، مقررات روشن و اعتماد ذی‌نفعان وابسته است. اگرچه وقف اهداف رفاهی مشترکی با نیکوکاری ورزشی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دارد، اما بر بخشش دائمی و مذهبی استوار است، در حالی که نیکوکاری ورزشی عمدتاً از انگیزه‌های سکولار، نتیجه‌محور و شرکتی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، وقف صرفاً یک سازوکار تأمین مالی دیگر نیست، بلکه رویکردی متمایز به کمک‌های نهادی محسوب می‌شود.

این تمایز مفهومی، تقاطعی مهم اما کمتر بررسی‌شده در مدیریت ورزشی را آشکار می‌کند. پژوهش‌های اندکی درباره نحوه عملکرد وقف در ورزش، برداشت ذی‌نفعان از مشروعیت و سودمندی آن، یا مدل‌های عملیاتی پشتیبان توسعه ورزش انجام شده است. همچنین پرسش‌هایی درباره انتظارات ذی‌نفعان، الزامات حکمرانی و سازگاری وقف با ساختارهای موجود توسعه ورزش همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند. از نظر مفهومی نیز چارچوبی برای تبیین نقش نظام‌های مالی مبتنی بر ایمان در توسعه ورزش وجود ندارد و اتکای بیش از حد به الگوهای غربی نیکوکاری و CSR، دامنه نظری این حوزه را محدود کرده است.

مطالعه حاضر با انجام پژوهشی بنیادی درباره نقش وقف در توسعه ورزش، به این شکاف دوگانه پاسخ می‌دهد. هدف آن بررسی ادراکات، انگیزه‌ها و نگرانی‌های خیرین، مسئولان سازمان اوقاف و دست‌اندرکاران توسعه ورزش، شناسایی شرایط مدیریتی و عملیاتی لازم برای ابتکارات ورزشی مبتنی بر وقف، و توسعه یک چارچوب مفهومی تجربی برای یکپارچه‌سازی کاربرد وقف در راهبردهای توسعه ورزش است. این مطالعه در پی گسترش مبانی نظری مدیریت ورزشی و ارائه بینش‌های عملی برای بهره‌گیری از سازوکارهای تأمین مالی پایدار و متناسب با زمینه فرهنگی است و به درک بهتر نقش نظام‌های بشردوستانه ریشه‌دار در آینده توسعه ورزش کمک می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه با توجه به ماهیت اکتشافی، برای کشف تعاملات لایه‌ای بین فرهنگ وقف و توسعه ورزش در استان زنجان از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. با پیروی از رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین (۳۹)، جمع‌آوری و

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

تحلیل داده‌ها به صورت تکرارشونده و استقرایی انجام شد تا یک مدل مفهومی از روایت‌های شرکت‌کنندگان به جای فرضیات نظری پیشینی، پدیدار شود.

جامعه آماری این مطالعه شامل سه گروه ذینفع مرتبط با موضوع پژوهش بود: ۱) مدیران و مسئولان بخش ورزش استان، ۲) مدیران و کارشناسان سازمان اوقاف و امور خیریه استان و ۳) محققان و متخصصان دانشگاهی متخصص در مدیریت ورزش و وقف. نمونه‌گیری از منطق نمونه‌گیری نظری (هدفمند) مطابق با نظریه داده‌بنیاد پیروی کرد. شرکت‌کنندگان به گونه‌ای انتخاب شدند که حداکثر تنوع در نقش سازمانی، وابستگی نهادی و تجربه حرفه‌ای تضمین شود و مقایسه مداوم و توسعه قوی مفاهیم را تسهیل کنند. در مجموع ۱۷ مصاحبه نیمه ساختار یافته و عمیق انجام شد (جدول ۱).

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه شوندگان

کد مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت	تحصیلات	سابقه تخصصی/تجربه مرتبط
P1	۴۵	مرد	سطح سه حوزه	تجربه مدیریت سازمان اوقاف استان زنجان
P2	۴۲	زن	دکتری تخصصی	تدریس، آموزش و پژوهش در حوزه مدیریت ورزشی
P3	۴۶	مرد	دکتری تخصصی	تدریس، پژوهش و مشارکت در پروژه‌های فرهنگی و ورزشی
P4	۴۸	مرد	دکتری تخصصی	تدریس، پژوهش و مشاوره در پروژه‌های مدیریتی و اقتصادی
P5	۴۵	مرد	لیسانس حقوق	مشارکت در هدایت وقف به پروژه‌های فرهنگی
P6	۴۸	مرد		تجربه مشاوره در حوزه وقف
P7	۳۷	مرد	سطح ۴ حوزه	کارشناس اداره وقف و تدریس و پژوهش در حوزه قرآن
P8	۵۱	مرد		۲۵ سال تجربه کاری/ معاون توسعه منابع و پشتیبانی اوقاف
P9	۵۸	مرد	لیسانس	۳۲ سال تجربه در حوزه اوقاف/ عضو کمیته موقوفات عتبات عالیات
P10	۳۶	مرد	دکتری	۱۲ سال مدیریت اوقاف
P11	۵۰	زن	کارشناسی ارشد	۲۸ سال در اداره ورزش و جوانان
P12	۵۸	مرد	کاردانی	۴۰ سال در اداره ورزش و جوانان
P13	۴۶	مرد	کارشناسی ارشد	۲۳ سال در بخش ورزش قهرمانی استان
P14	۳۷	زن	کارشناسی ارشد	۱۰ سال در بخش حقوقی اداره ورزش و جوانان استان
P15	۴۱	مرد	دکتری	۱۴ سال سابقه مدیریتی در حوزه اداره کل ورزش استان
P16	۴۹	زن	کارشناسی حقوق	۲۲ سال در بخش حقوقی اداره ورزش و جوانان استان
P17	۵۱	مرد	دکتری	۲۰ سال سابقه فعالیت در مدیریت استانی

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

معیارهای انتخاب اعضای نمونه عبارت بودند از: (الف) مشارکت حرفه‌ای فعلی یا قبلی در وقف، خط‌مشی/مدیریت ورزشی، یا تحقیقات دانشگاهی مرتبط با وقف و ورزش؛ (ب) حداقل سه سال سابقه حرفه‌ای مرتبط؛ و (ج) تمایل به شرکت در مصاحبه‌ای که محتوای آن ضبط می‌شد و در صورت نیاز، تماس برای توضیحات بعدی.
مشارکت‌کنندگان با ترکیبی از ارجاع هدفمند از طریق اطلاعات سازمانی و روش گلوله برفی شناسایی شدند. مخاطبان اولیه از طریق رابطهای شناخته‌شده در دانشگاه زنجان و اداره ورزش و جوانان استان انتخاب شدند؛ سپس این مشارکت‌کنندگان ، افراد مطلع بیشتری را پیشنهاد کردند.

لازم به ذکر است در پژوهش حاضر تمامی اصول اخلاقی مرتبط از جمله محرمانه بودن مصاحبه‌ها، رضایت آگاهانه شرکت کنندگان در پژوهش و اختیار خروج از پژوهش رعایت شده است. همچنین طرح پژوهشی مربوطه توسط کمیته اخلاق دانشگاه زنجان بررسی و با شناسه اخلاق IR.ZNU.REC.1405.020 مصوب گردید.

جمع‌آوری داده‌ها

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق جمع‌آوری شدند. راهنمای مصاحبه پس از بررسی هدفمند متون و آزمایش مقدماتی با دو متخصص حوزه وقف تدوین شد؛ این راهنما ظهور وقف در ورزش، شرایط زمینه‌ای و نهادی، راهبردهای عملیاتی‌سازی، موانع و عوامل توانمندساز و پیامدهای مشاهده‌شده یا پیش‌بینی‌شده را پوشش می‌داد. مصاحبه‌ها در یک دوره شش ماهه انجام شد. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه طول کشید. مصاحبه‌ها با اجازه شرکت‌کنندگان، ضبط و کلمه به کلمه به فارسی بازنویسی شدند. بلافاصله پس از هر مصاحبه، یادداشت‌های میدانی و یادداشت‌های تحلیلی برای مستندسازی جزئیات زمینه‌ای و بینش‌های نوظهور تهیه شد.
تصمیم برای پایان دادن به جمع‌آوری داده‌ها توسط اصل اشباع نظری هدایت شد، نقطه‌ای که در آن داده‌های جدید دیگر بینش‌های تازه‌ای به دست نمی‌دهند. برای نظارت دستیابی به این هدف، ظهور کدها و مفاهیم جدید در طول فرایند مصاحبه پیگیری گردید. بررسی دقیق، کاهش شدید ظهور کدهای جدید پس از مصاحبه چهاردهم را نشان داد و هیچ مفهوم اساسی جدیدی در مصاحبه‌های ۱۵ تا ۱۷ ظاهر نشد که اشباع را تأیید می‌کند.

تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری سه مرحله‌ای استراوس و کوربین (۳۹) به شرح زیر انجام شد:

- کدگذاری باز: کدگذاری خط به خط رونوشت‌ها برای تولید کدهای اولیه. کدگذاری اولیه منجر به شناسایی ۲۲۶ کد شد. کدها بطور مداوم مقایسه شدند و در برچسب‌های مفهومی مرتبه بالاتر ادغام شدند.
- کدگذاری محوری: روابط بین مقوله‌های مفهومی نوظهور بر اساس یک مدل پارادایمی، تحلیل و سازماندهی شدند. این مدل داده‌ها را پیرامون شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها سازماندهی کرد. کل فرایند از طریق تحلیل مقایسه‌ای مداوم انجام شد و از طریق یادداشت‌برداری تحلیلی مداوم، مستند و بازبینی شد.
- کدگذاری انتخابی: یک مقوله اصلی که مقوله‌های نوظهور را ادغام می‌کرد، شناسایی و در مدل نهایی پایه قرار داده شد.

برای افزایش شفافیت، ما یک کتابچه کد مستند (شامل تعاریف، قوانین تصمیم‌گیری و نقل قول‌های نمونه) و یک مسیر حسابرسی از تصمیمات کدگذاری و یادداشت‌های تحلیلی را نگهداری کردیم.
دو محقق در فرایند کدگذاری شرکت کردند. نویسنده اول کدگذاری اولیه را برای متن تمام مصاحبه‌ها انجام داد. کدگذار مستقل دوم (محقق کیفی باتجربه که در جمع‌آوری داده‌ها دخیل نبود) به طور مستقل زیرمجموعه‌ای هدفمند از داده‌ها (متن چهار مصاحبه) را برای ارزیابی انطباق، کدگذاری کرد. اختلافات از طریق بحث حل شد؛ مسائل حل‌نشده توسط یک محقق کیفی ارشد مورد قضاوت قرار گرفت.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

قابلیت اعتماد و تضمین کیفیت یافته‌های پژوهش

معیارهـــای گوبـــا و لیـــنکلن (۴۰) بـــرای افـــزایش اعتبـــار (Credibility)، انتقـــال‌پـــذیری (Transferability)، اطمینان‌پذیری (Dependability) و تأییدپذیری (Confirmability) به شرح زیر بکار برده شد.

- اعتبار از طریق چندین روش تضمین شد:

(۱) سه‌سوسازی (Triangulation) منابع داده‌ها با مقایسه و تقابل دیدگاه‌های سه گروه ذینفع متمایز.

(۲) بازبینی توسط اعضاء (Member checking) که در آن خلاصه‌ای از یافته‌های اولیه با گروه منتخبی از مشارکت‌کنندگان به اشتراک گذاشته شد تا تفاسیر پژوهشگران، تأیید و در صورت نیاز اصلاح شوند.

(۳) بررسی دقیق داده‌ها از طریق چرخه‌های تکراری تحلیل و استفاده مداوم از یادداشت‌های تحلیلی حاصل شد.

(۴) ممیزی خارجی: پس از نهایی شدن مدل اصلی، کل ساختار (شامل مفاهیم، مقوله‌ها و روابط آنها) تحت بررسی دقیق قرار گرفت. این ممیزی توسط هیئتی متشکل از شش متخصص، شامل سه محقق مستقل و سه متخصص خارجی، انجام شد که سازگاری منطقی و زمینه تجربی یافته‌ها را به طور انتقادی بررسی کردند.

- انتقال‌پذیری: از طریق شرح مفصلی از زمینه، ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و روش تحلیل و نقل قول‌های نمونه برای امکان ارزیابی خوانندگان از قابلیت کاربرد در زمینه‌های دیگر ارائه شد.

- اطمینان‌پذیری: از طریق ثبت دقیق فعالیت‌های پژوهشی (trail Audit) که تاریخ‌های جمع‌آوری داده‌ها، تکرار کدگذاری‌ها، تغییرات در دفترچه کد و یادداشت‌های تحلیلی را مستند می‌کرد، نگهداری شد.

- تأییدپذیری: از طریق نگهداری یادداشت‌های تأملی و مستندات مربوط به پیش‌فرض‌های بالقوه پژوهشگران حاصل شد. تصمیمات تحلیلی و تطبیق‌ها ثبت شدند و در صورت درخواست در دسترس هستند.

یافته‌ها

این مطالعه به بررسی سازوکارهایی پرداخت که از طریق آنها فرهنگ وقف به توسعه ورزش در استان زنجان کمک می‌کند. داده‌ها با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد ارائه شده توسط استراوس و کوربین (۳۹) تجزیه و تحلیل شدند که شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. فرایند تحلیل از شناسایی مفاهیم اولیه به توسعه مقوله‌های اصلی و در نهایت، ساخت یک مدل پارادایمی که رابطه پویا بین وقف و توسعه ورزش را توضیح می‌دهد، حرکت کرد.

کدگذاری باز

مرحله کدگذاری باز با هدف شناسایی و مفهوم‌سازی داده‌های خام استخراج‌شده از مصاحبه‌ها انجام شد. از طریق تحلیل خط به خط و مقایسه مداوم، ۲۲۶ کد اولیه ایجاد شد. پس از ادغام همپوشانی‌ها و ادغام کدهای مشابه، این کدها به ۱۲۷ واحد مفهومی کاهش یافتند که ایده‌های اصلی نهفته در روایت‌های مشارکت‌کنندگان را در بر می‌گرفت. برای نشان دادن چگونگی تبدیل داده‌های خام به مفاهیم تحلیلی، جدول ۲ گزیده‌هایی از مصاحبه را به همراه کدها و مفاهیم اولیه مربوطه ارائه می‌دهد.

جدول ۲: نمونه‌ای از فرایند کدگذاری باز و ادغام مفاهیم مشابه

متن مصاحبه	کد اولیه	مفهوم
وقف چیزی هست کـه مانـدگاره تـو روایـت هـم هسـت تـو احادیثم هست تو قرآن هم هسـت و صـدقه جاریـه مصـداق صدقه جاری همون وقفه. چیزی کـه مانـدگاریش بیشـتره ... منظورهمینه ماندگاریش بیشتره ...	صدقه جاریه و ماندگار ماندگاری وقف	وقف برای اجر اخروی و صدقه جاریه
آخرت دیگه، مثلا وقتی کسی که وقف میکنـه، دیگـه بعـد از ۱۰ سال ۲۰ سال از بین میره ولی خب نیتش می‌مونه	ذخیره برای آخرت	

دیگه نیست دیگه مثل اون زمان نمونـده خـب، ایـن کمبـود هست، میاد میگه نگاه من چرا باید ایـن کـار رو بکـنم، چـرا مالمو بدم که دیگران ازش استفاده کنن؟	تغییر نگرش به وقف بی‌اعتقادی به وقف	بی‌اعتقادی یا بی‌اعتمادی نسل جدید به وقف
... خودش زنده بود اجرا می‌کرد، پولشو، درآمدشو می‌آورد تـو مسجد. بعد دیگه خودش از دنیا رفت بچه‌هاش دیگـه گفـتن مال بابام دیگه، ارث حساب کردن، بعضی از موقوفاتم اینطـور از بین رفته. ...	بی‌اعتقادی فرزندان به وقف	
مدرسه/ قنات/ چهارپایان/ مغازه برای آهوان/ وقف اولاد ذکور/ مسجدساز/ خیرین دارو درمان/ امور قرآنی/ بیمارستان/ وقف نقدی	وجود انواع مختلفی از نیت‌ها برای وقف	تنوع در نیات وقف (مذهبی، آموزشی، درمانی، ورزشی)
تو زنجان شهر زنجان بیشترین موقوفاتمون راجع به عزاداری امام حسین بوده. ... اکثرموقوفـات واسـه امـام حسـین علیـه السلام است.	فراوانی وقف برای عزاداری امام حسین در زنجان	تمرکز وقف در زنجان برای مراسم مذهبی و آیین‌های دینی
مردم بیشتر چون بحث یه بحث دینیه بیشتر دوست دارن تو اون حیطه امور دینی ورود کنند	تمرکز وقف در امور مذهبی	

در پایان مرحله کدگذاری باز، کدهایی شناسایی شدند که شامل مفاهیمی مانند، انگیزه‌های مذهبی برای حفظ ابتکارات خیریه، اعتماد به سازمان‌های مذهبی، ضرورت شفافیت، ورزش به عنوان وسیله‌ای برای مشارکت اجتماعی و ارتقای مشارکت جوانان از طریق موقوفات ورزشی بودند. این کدها به عنوان عناصر اساسی برای خوشه‌بندی و انتزاع بعدی در طول کدگذاری محوری عمل کردند و راهنمای توسعه مقوله‌های مرتبه بالاتر و بینش‌های نظری بودند.

کدگذاری محوری

کدگذاری محوری به منظور پیوند دادن مفاهیم توسعه‌یافته در طول کدگذاری باز و شناسایی شرایط علّی، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها انجام شد. در این مرحله، روابط بین ۱۲۷ مفهوم به طور نظام‌مند برای تشکیل مقوله‌های مرتبه بالاتر بررسی شد. از طریق مقایسه مداوم و خوشه‌بندی بر اساس شباهت مفهومی، ۵۰ مقوله شناسایی شد (جدول ۳). به عنوان مثال، مفاهیمی مانند «رضایت شخصی» و «نوع‌دوستی» در مقوله‌هایی مجزایی خوشه‌بندی شدند که منعکس‌کننده ابعاد روانشناختی و بشردوستانه انگیزه هستند.

جدول ۳: مقوله‌های حاصل از کدگذاری محوری و مفاهیم مرتبط با آنها

مقوله	نمونه‌هایی از مفاهیم مرتبط
۱. ویژگی‌های فردی و خانوادگی واقف	ویژگی‌های فردی، خانوادگی و جمعیت‌شناختی واقف، سابقه و پیشینه فرد و ...
۲. نقش فرزندان و خانواده	نداشتن وارث یا فرزند به‌عنوان انگیزه وقف، نقش فرزندان و خـانواده در تشـویق یـا بازداشتن وقف و ...
۳. انگیزه‌های شخصی و روانی	لذت و رضایت شخصی از وقف، تجربه‌ها و تحولات زندگی به‌عنوان محرک وقف ....
۴. انگیزه‌های دینی و مذهبی	وقف با انگیزه اجر اخروی و صدقه جاریه انگیزه مذهبی و اجتماعی در تصـمیم بـه وقف
۵. انگیزه‌های انسانی	نوع دوستی و کمک به هم نوعان
۶. انگیزه‌های اقتصادی	حفظ مالکیت موقوفات برای نسل‌های بعدی و تأمین منافع خانوادگی

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

۷. سطح ایمان و اعتقاد دینی جامعه	تأثیر ایمان، اعتقاد دینی و تقوای عمومی بر گسترش وقف در جامعه
۸. تنوع وقف	تنوع در انواع وقف، نیات وقف و امکان استفاده از وقف نقدی و سرمایه‌ای
۹. موضوع وقف	وقف برای مراسم مذهبی و آیین‌های دینی، وقف برای گسترش قرآن و امور دینی و ....
۱۰. مانایی وقف	تعریف وقف و مفهوم استمرار و مانایی آن، مانا بودن اجر وقف در باور مردم
۱۱. انعطاف وقف	امکان تبدیل به احسن اموال موقوفه، امکان تغییر نیت وقف متناسب با نیاز زمان و ....
۱۲. پشتوانه تاریخی، سنتی وقف	وجود وقف‌های ماندگار تاریخی در ایران و زنجان (۱۵)، الگوبرداری از وقف پیامبر، ائمه و بزرگان دین
۱۳. نیاز به تغییر نگرش و توسعه وقف	تغییرات نگرش وقف‌کنندگان از رویکرد مذهبی به رویکرد اجتماعی و ....
۱۴. نقش و حقوق متولی	نقش متولی در حفظ و اجرای نیت واقف، حق متولی در اداره، اجاره و بهره‌برداری از موقوفات و ...
۱۵. ثبت و مستندسازی	ضرورت ثبت قانونی و رسمی وقف‌نامه‌ها، مستندسازی و بایگانی اسناد وقف
۱۶. دیجیتال سازی و شفافیت	دیجیتال‌سازی و امکان دسترسی عمومی به اسناد وقف، ایجاد شفافیت و گزارش‌دهی ...
۱۷. نقش نهادهای نظارتی و اجرایی	نقش سازمان اوقاف در تعیین متولی و نظارت، نقش اداره اوقاف در جهت‌دهی موقوفات و ...
۱۸. نقش نهادهای فرهنگی در هدایت وقف	نقش روحانیون در فرهنگ‌سازی وقف، استفاده از تریبون مساجد برای تشویق وقف و ...
۱۹. همکاری و هماهنگی نهادها	لزوم هماهنگی بین همه نهادهای مرتبط، نقش سازمان‌های دولتی و هدایت جریان وقف و ...
۲۰. تبلیغات و اطلاع‌رسانی وقف از رسانه‌ها	نقش رسانه و نمایش بصری آثار وقف برای ترغیب مردم، نقش رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی وقف، ترویج فرهنگ وقف ورزشی از طریق رسانه و ...
۲۱. آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی	آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی درباره وقف، اطلاع‌رسانی درباره ظرفیت وقف در ورزش و ...
۲۲. الگوسازی و جریان‌سازی	الگوسازی و جریان‌سازی توسط افراد مشهور، استفاده از ورزشکاران و پیشکسوتان برای تشویق وقف
۲۳. باور عمومی نسبت به ورزش	نگاه سنتی جامعه به وقف و ورزش، کمبود آگاهی عمومی از نقش ورزش در سلامت
۲۴. ترویج وقف ورزشی	ترویج وقف به‌عنوان سرمایه‌گذاری معنوی، ارزش‌گذاری سلامت و ورزش به‌عنوان موضوع وقف و ...
۲۵. تجلیل واقفان	تجلیل از واقفان در مراسم رسمی، افزایش مقبولیت اجتماعی واقفان و ...
۲۶. تعامل با دانشگاه	ارتقای تعامل دانشگاه‌ها و اوقاف، تولید محتوای آموزشی، نشر کتاب و .... درباره وقف
۲۷. الهام از تجارب موفق خارجی	الهام از تجربیات کشورهای مسلمان در جذب وقف

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

۲۸. الهام از تجارب موفق داخلی	الگوبرداری از موفقیت‌های داخلی مانند خیریه مهرانه و تجربه موفق مدیریت وقف در دانشگاه شاهرود
۲۹. توسعه ورزش مناطق محروم	استفاده از منابع مالی مختلف، از جمله وقف، برای توسعه ورزش روستایی و ...
۳۰. توسعه عدالت اجتماعی در ورزش	عدالت اجتماعی از طریق وقف ورزشی، مشارکت زنان در ورزش از طریق وقف و ...
۳۱. حمایت از ورزشکاران مستعد	محرومیت نسبی استعدادهای ورزشی استان، حمایت از ورزشکاران مستعد از محل وقف و ...
۳۲. توسعه اماکن و تجهیزات ورزشی	استفاده از وقف برای خرید تجهیزات و تأسیس اماکن ورزشی
۳۳. توسعه رویدادهای ورزشی	برگزاری رویدادهای ورزشی با منابع وقف، ناتوانی اداره ورزش در تأمین هزینه رویدادهای ورزشی و ...

ادامه جدول ۳: مقوله‌های حاصل از کدگذاری محوری و مفاهیم مرتبط با آنها

مقوله	نمونه‌هایی از مفاهیم مرتبط
۳۴. محدودیت‌ها و منابع اقتصادی استان	کمبود سرمایه‌گذاران کلان استانی به عنوان واقفین بالقوه، محدودیت ظرفیت‌های اقتصادی استان و ...
۳۵. پایداری منابع وقف	نقش وقف در تکمیل بودجه دولتی، درآمد پایدار موقوفات
۳۶. مشوق‌های بیرونی	بهره‌گیری از انگیزه‌های بیرونی (تخفیف مالیاتی، تقدیرنامه)
۳۷. ایجاد ساختار و توانمندی اداری	نبود واحد اداری ویژه وقف در اداره ورزش، ناتوانی اداره ورزش در مدیریت موقوفات ورزشی ...
۳۸. مدل عملیاتی و برنامه‌ریزی	نیاز به مدل عملیاتی جذب وقف ورزشی، توسعه سازوکار پیگیری و استفاده از موقوفات ورزشی و ...
۳۹. نظام مدیریتی اداره ورزش در حوزه وقف	ایجاد فرهنگ سازمانی در اداره ورزش، برنامه‌ریزی جامع برای جذب منابع مالی جدید
۴۰. آموزش و توانمندسازی مدیران	برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای مدیران و مربیان
۴۱. چالش‌های قانونی و اداری	محدودیت‌های حقوقی و بروکراسی اداری بین سازمانی، نیاز به اصلاح و به‌روزرسانی قوانین وقف و ...
۴۲. چالش‌های وقف و موقوفات	سنتی بودن وقف و وابستگی تاریخی آن به حکومت‌ها، ترس مردم از حیف‌ومیل شدن موقوفات و ...
۴۳. چالش‌های فرهنگی	جایگاه سنتی وقف در اقتصاد معیشت محور ایران، ریشه‌های تاریخی وقف به‌عنوان ابزار مالی روحانیت و ...
۴۴. چالش‌های اداره ورزش و جوانان و اداره اوقاف	بازپس‌گیری اماکن ورزشی وقفی و چالش‌های آن، سهم ناچیز ورزش از موقوفات
۴۵. چالش‌های اجتماعی	مقاومت بخشی از جامعه نسبت به وقف در حوزه ورزش، تبلیغات نامناسب علیه

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

	اداره اوقاف و ...
۴۶. موانع و تهدیدات	نقش سیاسی و بین‌المللی ایران در نظام بین الملل، تبلیغات نامناسب دشمنان علیه وقف و ...
۴۷. جایگاه ورزش در اجتماع	تاثیر منفی مسائل/مفاسد/رسوایی‌های ورزشی در نگاه جامعه به ورزش، ورزش به‌عنوان حوزه‌ای مدرن و کمتر سنتی
۴۸. تغییر ارزش‌های نسل جدید	تغییر و تحول در ارزش‌ها و باورهای نسل جدید، بی‌اعتقادی یا بی‌اعتمادی نسل جدید به وقف و ...
۴۹. نیازسنجی و اختصاص هدفمند وقف	نیازسنجی اجتماعی برای تخصیص وقف، به‌روز شدن نیت وقف متناسب با نیازهای روز جامعه و ...
۵۰. ظرفیت ورزش برای مشارکت اجتماعی	ظرفیت و جذابیت ورزش برای جذب مشارکت اجتماعی

در نهایت ۵۰ مقوله بر اساس شباهت معنایی، انسجام رابطه‌ای و ارتباط با چارچوب نظری نوظهور، در ۲۳ مضمون فراگیر ادغام شدند (جدول ۴). در طول این فرایند، برخی از مقوله‌ها به اندازه کافی متمایز بودند که به طور مستقل باقی بمانند، در حالی که برخی دیگر برای تشکیل خوشه‌های مفهومی گسترده‌تر ادغام شدند. این رویکرد تضمین می‌کرد که معانی تجربی در حین پیشرفت به سمت انتزاع نظری حفظ شوند. به عنوان مثال، مضمون «پیشینه فردی» توسط مقوله‌های مربوط به سابقه خانوادگی، ویژگی‌های شخصی و تأثیر خانواده بر تصمیم‌گیری واقف شکل گرفت. به طور مشابه، مضمون «انگیزه‌ها» از مقوله‌های مربوط به انگیزه‌های مذهبی، شخصی-روانشناختی، بشردوستانه و اقتصادی که تمایل افراد را برای مشارکت در وقف شکل می‌دهند، پدیدار شد.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

جدول ۴: مضمون‌های فراگیر و تعریف عملیاتی آنها

اجزای مدل	مضمون‌ها	مقوله‌های مرتبط	تعریف عملیاتی
شرایط علّی	پیشینه فردی	ویژگی‌های فردی و خانوادگی واقف، نقش فرزند و خانواده	سابقه خانوادگی، تربیتی و ویژگی‌های شخصی واقف (سن، جنسیت، فرزند داشتن/نداشتن) که نگرش و تصمیم او برای وقف را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.
	انگیزه‌ها	انگیزه‌های شخصی و روانی، انگیزه‌های دینی و مذهبی، انگیزه‌های انسانی، انگیزه‌های اقتصادی	مجموعه محرک‌های درونی و فردی از جمله انگیزه‌های معنوی، انسانی، اقتصادی، عاطفی و روان‌شناختی که تصمیم برای انجام وقف را شکل می‌دهند. این مقوله بر چرایی اقدام فرد تمرکز دارد.
	چیستی وقف	تنوع وقف، موضوع وقف، مانایی، انعطاف وقف	ویژگی‌های ذاتی وقف که آن را به یک ابزار پایدار و معتبر برای انجام امور خیر و خدمت به جامعه تبدیل می‌کند، شامل قابلیت تنوع موضوع، ماندگاری و انعطاف‌پذیری در اجرا.
	پشتوانهٔ تاریخی وقف	پشتوانه تاریخی، سنتی وقف در ایران	وجود نمونه‌ها و الگوهای تاریخی وقف که فرهنگ و ساختار اجتماعی آن را تثبیت کرده و الگوی رفتاری برای افراد و جامعه فراهم می‌کند.
شرایط زمینه‌ای	متولیان و نهادهای اجرایی وقف	نقش و حقوق متولی، نقش نهادهای نظارتی و اجرایی وقف	افراد و نهادهای مسئول که وظیفه اداره، نظارت و تضمین استفاده بهینه، شفاف و مؤثر از موقوفات را بر عهده دارند.
	وضعیت اعتقادی جامعه	سطح ایمان و اعتقاد دینی جامعه	فضای فرهنگی و ارزشی حاکم بر جامعه که از طریق باورهای دینی، هنجارهای اجتماعی و نگرش عمومی نسبت به وقف و امور خیر، زمینه مساعد یا نامساعدی برای شکل‌گیری انگیزه‌ها ایجاد می‌کند.
	نهادهای تأثیرگذار	نهادهای فرهنگی، تعامل با دانشگاه، همکاری و هماهنگی نهادها	هماهنگی و هم‌افزایی بین سازمان‌ها و نهادهای مذهبی، دولتی، ورزشی و استانی برای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و تحول در جذب و تخصیص بهینه موقوفات.
	ظرفیت ورزش برای مشارکت اجتماعی	ظرفیت ورزش برای مشارکت اجتماعی	توانایی و جذابیت ورزش برای جلب مشارکت اجتماعی، تشویق افراد به همکاری و سرمایه‌گذاری معنوی در ورزش.
شرایط مداخله‌گر	مشوق‌های بیرونی	مشوق‌های بیرونی	ابزارها و سیاست‌های انگیزشی مانند معافیت‌های مالیاتی، جوایز اجتماعی و مزایای نمادین که افراد را به مشارکت در وقف

نسخهٔ پذیرفته‌شده پیش از انتشار

			ترغیب می‌کند.
	چالش‌ها	چالش‌های قانونی و اداری، چالش‌های وقف و موقوفات، چالش‌های اداره ورزش و اداره اوقاف، چالش‌های فرهنگی، چالش‌های اجتماعی، محدودیت‌ها و منابع اقتصادی استان	موانع و مشکلات حقوقی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که فرآیند تحقق وقف را محدود یا پیچیده می‌کنند.
	موانع و تهدیدها	موانع و تهدیدها	عوامل بازدارنده و تهدیدهای محیطی و کلان، از جمله تبلیغات نامناسب، تضاد منافع میان ذی‌نفعان و شرایط سیاسی و بین‌المللی، که می‌توانند مشارکت در وقف و اثربخشی آن را کاهش دهند.
	تغییر ارزش‌های نسل جدید	ارزش‌های نسل جدید	تغییر نگرش‌ها، باورها و اولویت‌های نسل جدید نسبت به وقف و ورزش که می‌تواند مشارکت و پذیرش فعالیت‌های وقف را تحت‌تأثیر قرار دهد.

اجزای مدل	مضمون‌ها	مقوله‌های مرتبط	تعریف عملیاتی
راهبردها	ساختارسازی	ایجاد ساختار و توانمندی اداری، مدل عملیاتی و برنامه‌ریزی، نظام مدیریتی اداره ورزش در حوزه وقف	ایجاد و تقویت ساختارهای سازمانی، فرآیندهای برنامه‌ریزی و سیستم‌های مدیریتی برای هدایت مؤثر، پایدار و هماهنگ موقوفات.
	استقرار نظام شفافیت و پاسخگویی	ثبت و مستندسازی، دیجیتالی‌سازی و شفافیت	فرآیندهای ثبت، مستندسازی و دیجیتالی‌سازی اطلاعات وقف برای ایجاد شفافیت، اعتماد عمومی و امکان پیگیری و نظارت بر استفاده از موقوفات.
	ترویج و الگوسازی (برندسازی واقفین)	تبلیغات و اطلاع‌رسانی وقف از رسانه‌ها، آموزش عمومی و آگاهی بخشی، الگوسازی و جریان‌سازی، تجلیل از واقفان، ترویج وقف ورزشی	اقدامات اطلاع‌رسانی، معرفی الگوها، آموزش و شفاف‌سازی برای جلب اعتماد عمومی و ایجاد فرهنگ مشارکت در وقف ورزشی.
	آموزش و توانمندسازی مدیران	آموزش و توانمندسازی مدیران	برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای ارتقای دانش و مهارت مدیران، متولیان و فعالان حوزه ورزش و وقف.
	نیازسنجی و تخصیص هدفمند وقف	نیازسنجی اجتماعی و اختصاص هدفمند وقف، نیاز به تغییر نگرش و توسعه وقف (نوآوری و	شناسایی نیازهای واقعی جامعه و تخصیص هدفمند موقوفات به حوزه‌های مورد نیاز با توجه به تغییرات اجتماعی و

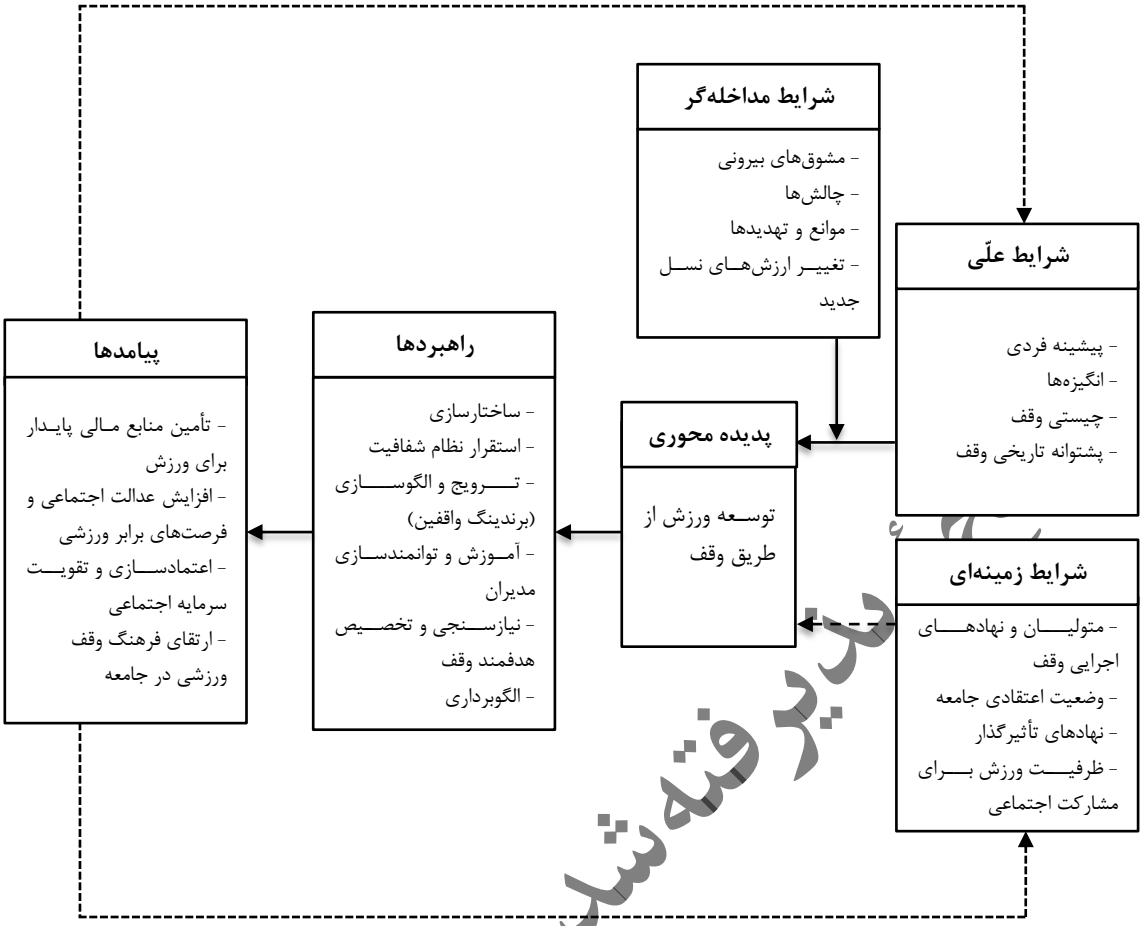
نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

		روزآمدسازی وقف)	نوآوری در وقف.
	الگوبرداری	الهام از تجارب موفق داخلی، الهام از تجارب موفق خارجی	استفاده از تجارب ملی و بین‌المللی موفق برای ارتقای اثربخشی جذب وقف در حوزه ورزش.
پدیده محوری	توسعه ورزش از طریق وقف	سازوکارهای ایجاد پیوند بین منابع وقف با توسعه ورزش و مشارکت اجتماعی	تخصیص هدفمند موقوفات به توسعه زیرساخت‌ها، حمایت از ورزشکاران، گسترش ورزش در مناطق محروم و ایجاد فرصت‌های برابر ورزشی.
پیامدها	تأمین منابع مالی پایدار برای ورزش	پایداری منابع وقف	تضمین پایداری منابع مالی و امنیت سرمایه موقوفات به منظور استمرار خدمات و برنامه‌های ورزشی.
	افزایش عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر ورزشی	توسعه ورزش مناطق محروم، توسعه عدالت اجتماعی، حمایت از ورزشکاران، توسعه اماکن و تجهیزات ورزشی، توسعه رویدادها	تخصیص و استفاده از موقوفات برای توسعه زیرساخت‌ها، برنامه‌ها و فرصت‌های ورزشی برابر در سطح حرفه‌ای و همگانی.
	اعتمادعمومی و تقویت سرمایه اجتماعی	اعتمادسازی و جلب مشارکت عمومی	افزایش اعتماد ذی‌نفعان، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در نتیجه اجرای نظام شفاف و پاسخگو.
	ارتقای فرهنگ وقف ورزشی در جامعه	پذیرش فرهنگی و پایداری	تبدیل وقف ورزشی به جریان اجتماعی پایدار و مورد پذیرش همگانی.

کدگذاری انتخابی و مدل پارادایمی

پس از تکمیل کدگذاری باز و محوری، مرحله کدگذاری انتخابی برای ادغام و سازماندهی مضامین و مقوله‌ها پیرامون پدیده محوری انجام شد. هدف این مرحله شناسایی فرایند اصلی پیونددهنده وقف و ورزش و توضیح شرایط علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و همچنین راهبردها و پیامدهای مرتبط با آن بود. این فرایند امکان شناسایی واضح پدیده محوری را فراهم می‌کند و در عین حال سایر مضامین و مقوله‌ها را در ارتباط با آن قرار می‌دهد و چارچوبی نظام‌مند برای توسعه مدل پارادایمی ایجاد می‌کند (شکل ۱).

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

در ادامه هر یک از اجزای مدل پارادایمی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

پدیده محوری

پدیده محوری در این مطالعه «توسعه ورزش از طریق وقف» شناسایی شد که محور اصلی مدل پارادایمی را نشان می‌دهد و امکان تحلیل جامع سایر مضامین و مقوله‌ها را فراهم می‌کند. در مرحله کدگذاری انتخابی، همه مقوله‌های حاصل از کدگذاری محوری از نظر میزان ارتباط با سایر مقوله‌ها، فراگیری در داده‌ها، تکرار در روایت مشارکت‌کنندگان و توانایی تبیین فرایند اصلی پژوهش به‌صورت مستمر با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج این مقایسه نشان داد که «توسعه ورزش از طریق وقف» بیش از سایر مقوله‌ها قابلیت یکپارچه‌سازی یافته‌ها را دارد؛ زیرا سایر مقوله‌های شناسایی‌شده یا به‌عنوان شرایط علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر شکل‌گیری آن عمل می‌کنند، یا راهبردهای تحقق آن را تبیین می‌کنند و یا پیامدهای حاصل از آن را نشان می‌دهند. به بیان دیگر، هیچ‌یک از مقوله‌های دیگر به‌تنهایی قادر به تبیین شبکه روابط میان تمامی مقوله‌ها نبودند، در حالی که «توسعه ورزش از طریق وقف» توانست همه اجزای مدل پارادایمی را در قالب یک فرایند منسجم به یکدیگر پیوند دهد. ازاین‌رو، این مقوله به‌عنوان پدیده محوری انتخاب شد، زیرا بیشترین قدرت تبیین و انسجام‌بخشی به نظریه در حال ظهور را دارا بود.

پدیده محوری نشان می‌دهد که وقف مرتبط با ورزش صرفاً یک عمل فردی یا مذهبی نیست، بلکه سازوکاری چندبعدی برای توسعه زیرساخت‌های ورزشی، حمایت از ورزشکاران با استعداد و ترویج فرصت‌های عادلانه در ورزش است. یکی از مشارکت‌کنندگان با تأکید بر ضرورت استفاده از ظرفیت وقف در ورزش اظهار داشت: *«ما الان تو بحث ورزش احتیاج به موقوفه داریم»*. مشارکت‌کننده دیگری نیز با اشاره به منافع عمومی وقف ورزشی بیان کرد: *«اگر یک*

پذیرفته‌شده پیش از انتشار

سالن هم بسازیم، نفعش به عموم مردم می‌رسه». همچنین یکی از مدیران ورزشی اشاره کرد که وقف می‌تواند بستری برای *«حمایت از ورزشکاران مستعدی باشد که توان مالی لازم برای ادامه مسیر قهرمانی را ندارند».* این اظهارات نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان، وقف را ابزاری مؤثر برای توسعه پایدار ورزش، افزایش دسترسی عمومی به امکانات ورزشی و حمایت از سرمایه انسانی ورزش می‌دانند.

چندین مضمون، مانند پیشینه فردی، انگیزه‌ها، ماهیت وقف، باورهای مذهبی جامعه، مبانی تاریخی وقف، هدف وقف، تداوم وقف، انعطاف‌پذیری وقف، نقش و حقوق متولیان، ثبت و مستندسازی و ظرفیت ورزش برای مشارکت اجتماعی، به عنوان شرایط علّی و زمینه‌ای مؤثر بر وقوع و اثربخشی این پدیده عمل می‌کنند. پدیده محوری همچنین امکان عملیاتی کردن راهبردهایی مانند ساختارسازی، شفافیت و اعتمادسازی، ترویج و الگوسازی، آموزش و توانمندسازی مدیران، نیازسنجی و تخصیص هدفمند وقف، و الگوبرداری را فراهم می‌کند. در مقابل، پیامدهایی مانند منابع مالی پایدار برای ورزش، افزایش عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر ورزشی، اعتمادسازی و تقویت سرمایه اجتماعی، و ارتقای فرهنگ وقف ورزشی در جامعه، نتایج فرایند یکپارچه را نشان می‌دهند.

شرایط علّی

شرایط علّی شامل عوامل فردی و اجتماعی است که مستقیماً بر پدیده محوری تأثیر می‌گذارند و عبارتند از:

- پیشینه فردی: ویژگی‌های شخصی و خانوادگی و نقش فرزندان، تصمیمات واقفین را شکل می‌دهند (مقوله‌های ۱-۲). یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد: «انگیزه‌های متفاوت هست در وقف؛ مثلاً طرف فرزند نداره، میاد وقف کنه که برای آخرتش بمونه». مشارکت‌کننده دیگری نیز به تأثیر شرایط خانوادگی اشاره کرده و اظهار داشت که «برخی افراد برای جلوگیری از اختلافات احتمالی میان ورثه، دارایی خود را وقف می‌کنند.» این یافته نشان می‌دهد که شرایط خانوادگی، تجربه‌های فردی و وضعیت زندگی افراد می‌تواند در شکل‌گیری تصمیم به وقف نقش مهمی داشته باشد.

- انگیزه‌ها: محرک‌های شخصی-روانشناختی، مذهبی-معنوی، بشردوستانه و اقتصادی، مشارکت در وقف مرتبط با ورزش را ترغیب می‌کنند (مقوله‌های ۳-۶). یکی از مشارکت‌کنندگان انگیزه اصلی وقف را سرمایه‌گذاری برای زندگی پس از مرگ دانسته و اظهار کرد: «نیازمندیم برای اون طرفمون سرمایه‌گذاری بکنیم؛ چه توشه‌ای بهتر از این که بعد از ما هم در جریان باشد، وقف تنها سرمایه‌ای هست که اثراتش تا قیامت باقیه». مشارکت‌کننده دیگری نیز به ماندگاری نام و اثر اجتماعی واقف اشاره کرده و بیان داشت: «اسم واقف مهمه دیگه... این یه کاری می‌کنه ماندگار، مثلا ما واقف‌هایی داریم که ۴۰۰ سال پیش وقف کردن ولی هنوز وقفشون پابرجاست و اسمشون توی زنجان شناخته شده است». همچنین یکی از مصاحبه‌شوندگان تصریح کرد: «وقف چیزی هست که ماندگاره... صدقه جاریه مصداقش وقفه». این اظهارات نشان می‌دهد که انگیزه‌های مذهبی، تمایل به ماندگاری اجتماعی، نوع‌دوستی و کمک به دیگران از مهم‌ترین محرک‌های مشارکت در وقف هستند.

- چیستی وقف: ویژگی‌هایی مانند تنوع، انعطاف‌پذیری، تداوم و هدف، وقف را به ابزاری قابل اعتماد برای توسعه ورزش تبدیل می‌کند (مقوله‌های ۸-۱۱). یکی از مشارکت‌کنندگان در تشریح ماهیت وقف اظهار داشت: «وقف به معنی ایستادن نیست؛ شتابنده است، پیشرو است، پیشگام است». وی در ادامه افزود: «اصل مال می‌مونه، اما بهره و جریانش ادامه پیدا می‌کنه». همچنین مشارکت‌کننده دیگری تأکید کرد که وقف باعث می‌شود دارایی از مسیر اصلی خود خارج نشود و در بلندمدت به هدف تعیین‌شده خدمت کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که پایداری، استمرار و انعطاف‌پذیری از مهم‌ترین ویژگی‌های وقف محسوب می‌شوند.

- پشتوانه تاریخی وقف: شیوه‌های سنتی وقف در ایران، مدل‌های رفتاری را ارائه می‌دهند و فعالیت‌های وقف معاصر را مشروعیت می‌بخشند (مقوله ۱۲). در این رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «اولین واقف خود پیغمبر بود» و در ادامه افزود: «موقوفاتی داریم که ۷۰۰ سال پیش وقف شده و هنوز پابرجاست». مشارکت‌کننده دیگری نیز با اشاره به گستردگی تاریخی وقف در ایران بیان کرد که در برخی دوره‌های تاریخی «حتی معابر، مساجد و بخش زیادی

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

از اراضی شهری وقفی بوده‌اند». این اظهارات نشان می‌دهد که پیشینه تاریخی وقف و ریشه‌دار بودن آن در فرهنگ اسلامی و ایرانی، مشروعیت و مقبولیت اجتماعی این نهاد را تقویت کرده است.

شرایط زمینه‌ای

این شرایط شامل عوامل موقعیتی و نهادی هستند که اثربخشی وقف را تسهیل یا محدود می‌کنند.

- متولیان و نهادهای اجرایی وقف: متولیان و نهادهای نظارتی، مدیریت شفاف و اجرای صحیح نیات واقفین را تضمین می‌کنند (مقوله‌های ۱۴، ۱۷). یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص اظهار داشت: «متولی را خود واقف تعیین می‌کند و برای او ناظر هم مشخص می‌کند». مشارکت‌کننده دیگری نیز بیان کرد: «ما خادم موقوفات هستیم و موظفیم دقیقاً طبق نیت واقف عمل کنیم». این اظهارات اهمیت نقش متولیان و نظام نظارتی را در حفظ اعتماد واقفان نشان می‌دهد.

- نهادهای تأثیرگذار: هماهنگی بین سازمان‌های فرهنگی، مذهبی، دولتی و ورزشی از تخصیص و مدیریت کارآمد منابع وقف پشتیبانی می‌کند (مقوله‌های ۱۸-۱۹، ۲۶). یکی از مشارکت‌کنندگان پیشنهاد کرد: «با مسئول ورزش استان صحبت کنیم، پیشکسوتان را دعوت کنیم و از ظرفیت آن‌ها برای ترویج وقف استفاده کنیم». این دیدگاه بیانگر ضرورت همکاری میان نهادهای ورزشی، فرهنگی و مذهبی برای توسعه وقف ورزشی است.

- وضعیت اعتقادی جامعه: ایمان اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، پایه و اساس ذهنی و هنجاری برای وقف ایجاد می‌کنند (مقوله ۷). یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص بیان کرد: «ما شیعه یا ما مسلمانان یه اصلی داریم به نام معاد... اینجا که تموم شدیم، تموم نمی‌شه زندگی». مشارکت‌کننده دیگری نیز با اشاره به مفهوم صدقه جاریه، وقف را عملی دانست که آثار آن پس از مرگ فرد نیز ادامه پیدا می‌کند. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که باورهای دینی و اعتقادات مذهبی، بستری مهم برای گرایش افراد به وقف فراهم می‌کنند.

- ظرفیت ورزش برای مشارکت اجتماعی: جذابیت ذاتی و پتانسیل تعامل رویدادهای ورزشی، مشارکت عمومی را تشویق و از سرمایه‌گذاری اجتماعی پشتیبانی می‌کند (مقوله ۵۰). به اعتقاد یکی از مشارکت‌کنندگان، ورزش به دلیل ارتباط گسترده با اقشار مختلف جامعه، ظرفیت بالایی برای جذب مشارکت مردمی دارد و می‌تواند افراد را به حمایت از فعالیت‌های عام‌المنفعه ترغیب کند.

شرایط مداخله‌گر

این عوامل چگونگی تبدیل شرایط علّی و زمینه‌ای به نتایج توسعه ورزش را تعدیل می‌کنند.

- مشوق‌های بیرونی: مشوق‌های بیرونی به مجموعه‌ای از ابزارها، سیاست‌ها و سازوکارهای حمایتی اشاره دارد که از طریق ایجاد انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی و نمادین، مشارکت افراد و سازمان‌ها در وقف ورزشی را تسهیل می‌کنند (مقوله ۴۷). اگرچه وقف در مبنای خود بر انگیزه‌های درونی، ارزش‌های اخلاقی و مسئولیت اجتماعی استوار است، اما وجود حمایت‌های محیطی و مشوق‌های بیرونی می‌تواند فرآیند تبدیل نیت خیرخواهانه به اقدام عملی را تقویت کند. مشارکت‌کنندگان به عواملی مانند ایجاد تسهیلات قانونی، حمایت‌های مالی، معافیت‌های مرتبط، تقدیر و معرفی اجتماعی واقفان، و افزایش جایگاه نمادین خیرین ورزشی به‌عنوان عوامل مؤثر در ترغیب مشارکت اشاره کردند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مشوق‌های بیرونی نه به‌عنوان جایگزین انگیزه‌های ارزشی وقف، بلکه به‌عنوان سازوکارهای تسهیل‌کننده عمل می‌کنند که با کاهش موانع مشارکت، افزایش جذابیت اجتماعی وقف و تقویت احساس اثربخشی، می‌توانند زمینه توسعه وقف در حوزه ورزش را فراهم سازند.

- چالش‌ها: چالش‌ها شامل مجموعه‌ای از مشکلات حقوقی، اداری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی هستند که فرایند تحقق و توسعه وقف ورزشی را با دشواری مواجه می‌کنند (مقوله‌های ۴۱-۴۵). یکی از مشارکت‌کنندگان علت پایین بودن وقف در حوزه ورزش را این‌گونه توضیح داد: «به خاطر اینکه ورود نکردیم، تبلیغ نکردیم، اطلاع‌رسانی نکردیم». مشارکت‌کننده دیگری نیز اظهار داشت: «اطلاعات مردم در این زمینه که میشه در حوزه ورزش هم وقف

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

کرد خیلی کمه، مردم اصلا نمیدونن که میشه وقف رو به موضوعاتی غیر از موضوعات مذهبی یا مربوط به نفع عمومی جامعه وقف کرد». همچنین برخی مشارکت‌کنندگان به بروکراسی اداری، تعدد سازمان‌های تصمیم‌گیر، سهم ناچیز ورزش از موقوفات و تمرکز سنتی وقف بر حوزه‌های مذهبی، آموزشی و درمانی اشاره کردند. این اظهارات نشان می‌دهد که ضعف فرهنگ‌سازی، کمبود آگاهی عمومی، پیچیدگی‌های اداری و برخی محدودیت‌های ساختاری از مهم‌ترین چالش‌های توسعه وقف ورزشی هستند.

- موانع و تهدیدها: موانع و تهدیدها به عوامل بازدارنده و تهدیدهای محیطی و کلان اشاره دارند که می‌توانند مشارکت در وقف و اثربخشی آن را کاهش دهند (مقوله ۴۶). یکی از مسئولان وقف با اشاره به تأثیر ضعف اعتماد عمومی بیان کرد: «دشمن از اسلام میترسه، علیه ما جوّسازی میکنه، سرمایه‌گذاری رسانه‌ای انجام میده تا اخبار منفی در مورد وقف و موقوفات منتشر بشه». همچنین مشارکت‌کنندگان به تبلیغات نامناسب علیه وقف، تضاد منافع احتمالی میان برخی ذی‌نفعان و شرایط سیاسی و بین‌المللی به عنوان تهدیدهای مؤثر بر توسعه وقف اشاره کردند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تهدیدهای محیطی و کاهش اعتماد اجتماعی می‌توانند انگیزه افراد برای مشارکت در وقف ورزشی را تضعیف کرده و اثربخشی آین نهاد را محدود سازند.

- تغییر ارزش‌های نسل جدید: نگرش‌های در حال تحول جوانان نسبت به ورزش و وقف بر سطح و نوع مشارکت تأثیر می‌گذارد (مقوله ۴۸). برخی مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که تغییر سبک زندگی و ارزش‌های نسل جدید موجب شده است شیوه‌های سنتی ترویج وقف کارایی گذشته را نداشته باشد و لازم است از ابزارهای نوین ارتباطی برای تعامل با جوانان استفاده شود.

راهبردها

راهبردها شامل اقدامات عملیاتی هستند که شرایط و نتایج را تعدیل می‌کنند.

- ساختارسازی: ایجاد سیستم‌های مدیریتی و مدل‌های عملیاتی در مدیریت ورزش (مقوله‌های ۳۷-۳۹). یکی از مشارکت‌کنندگان پیشنهاد کرد: «یک سامانه جامع وقف در امور ورزشی ایجاد کنیم». این پیشنهاد بر ضرورت طراحی سازوکارهای تخصصی برای هدایت و مدیریت منابع وقف ورزشی تأکید دارد.

- شفافیت و اعتمادسازی: دیجیتالی شدن، مستندسازی و پاسخگویی در مدیریت وقف (مقوله‌های ۱۵-۱۷). یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد: «الان یک سامانه جامع موقوفات داریم؛ نامه‌ها بدون استثنا اسکن شده، ثبت شده و ضبط شده‌اند». این دیدگاه نشان می‌دهد که استفاده از فناوری و شفافیت اطلاعاتی می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد.

- ترویج و الگوسازی: آموزش عمومی، کمپین‌های رسانه‌ای، به رسمیت شناختن واقفان و ورزشکاران/واقفان به عنوان الگوهایی برای پرورش فرهنگ وقف (مقوله‌های ۲۰-۲۲، ۲۴-۲۵). در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «صدا و سیما بیاد پای کار، دستگاه‌های فرهنگی بیان میدان». مشارکت‌کننده دیگری نیز تأکید کرد: «۱۰ نفر از پیشکسوتان را درگیر کنیم، آن‌ها هم ۱۰ نفر دیگر را درگیر می‌کنند». این اظهارات بیانگر اهمیت الگوسازی و ظرفیت رسانه‌ها در گسترش فرهنگ وقف ورزشی است.

- آموزش و توانمندسازی مدیران: کارگاه‌ها و برنامه‌های ظرفیت‌سازی برای مدیران وقف و ورزش (مقوله ۴۰). یکی از مشارکت‌کنندگان به ضرورت حضور «مشاوران آگاه» برای راهنمایی واقفان و مدیران اشاره کرد و آن را یکی از نیازهای اساسی توسعه وقف دانست.

- نیازسنجی و تخصیص هدفمند وقف: همسو کردن منابع وقف با نیازهای جامعه و تقویت نوآوری (مقوله‌های ۱۳، ۴۹). یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد: «شما بیاین برای ورزش وقف کنین... درآمدش خرج حمایت از افراد مستعد ورزشی باشد که حامی ندارند». این دیدگاه بر ضرورت هدایت وقف به سمت نیازهای واقعی جامعه ورزشی تأکید دارد.

- الگوبرداری: یادگیری از تجربیات موفق وقف داخلی و بین‌المللی (مقوله‌های ۲۷-۲۸). برخی مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که معرفی نمونه‌های موفق وقف در سایر حوزه‌ها و کشورها می‌تواند به افزایش اطمینان و مشارکت افراد در وقف ورزشی کمک کند.

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

پیامدها

پیامدها حاصل اجرای راهبردها بوده و به مزایای قابل اندازه‌گیری منجر می‌شوند.

- تأمین منابع مالی پایدار برای ورزش: تضمین بودجه بلندمدت از طریق وقف (مقوله ۳۵). به اعتقاد مشارکت‌کنندگان، وقف می‌تواند منبعی پایدار و مستقل از نوسانات بودجه‌های دولتی برای توسعه ورزش فراهم کند.

- افزایش عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر ورزشی: گسترش دسترسی به ورزش، حمایت از ورزشکاران و توسعه امکانات، به‌ویژه در مناطق محروم (مقوله‌های ۲۹-۳۳). یکی از مشارکت‌کنندگان در توصیف آثار توسعه وقف ورزشی اظهار داشت: «هیچ شهری بدون سالن ورزش نمی‌مونه، هیچ سالنی بدون تجهیزات ورزشی نمی‌مونه و هیچ بچه‌ای بدون کفش و لباس ورزشی نمی‌مونه». مشارکت‌کننده دیگری نیز تأکید کرد که وقف می‌تواند امکان دسترسی مناطق محروم به امکانات ورزشی را فراهم سازد.

- اعتمادسازی و تقویت سرمایه اجتماعی: افزایش اعتماد عمومی و مشارکت در وقف (مقوله‌های ۲۰-۲۱). به باور مشارکت‌کنندگان، هرچه شفافیت و پاسخگویی در مدیریت موقوفات افزایش یابد، اعتماد عمومی نیز تقویت شده و زمینه مشارکت بیشتر مردم فراهم خواهد شد.

- ارتقای فرهنگ وقف ورزشی در جامعه: نهادینه کردن وقف مرتبط با ورزش به عنوان یک عمل فرهنگی پایدار (مقوله‌های ۲۳-۲۴، ۵۰). یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «اگر فرهنگ‌سازی انجام شود، افراد بیشتری به این سمت می‌آیند». این یافته نشان می‌دهد که توسعه وقف ورزشی علاوه بر پیامدهای اقتصادی، می‌تواند به شکل‌گیری یک فرهنگ پایدار مشارکت اجتماعی در ورزش نیز منجر شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین سازوکارهای بهره‌گیری از فرهنگ وقف در توسعه ورزش استان زنجان انجام شد. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد پارادایمی استراوس و کوربین (۱۹۹۰) نشان داد که توسعه ورزش از طریق وقف را نمی‌توان صرفاً به عنوان یک الگوی تأمین مالی جایگزین در نظر گرفت؛ بلکه این پدیده در قالب یک نظام اجتماعی-فرهنگی چندلایه شکل می‌گیرد که در آن انگیزه‌های فردی، ارزش‌های مذهبی، سرمایه اجتماعی، ظرفیت‌های نهادی و سازوکارهای مدیریتی با یکدیگر تعامل دارند. این یافته، نگاه غالب به وقف به عنوان یک فعالیت خیریه منفرد را گسترش داده و می‌تواند آن را به عنوان یک سازوکار حکمرانی اجتماعی برای توسعه پایدار ورزش معرفی می‌کند.

در بسیاری از مطالعات حوزه توسعه ورزش، تمرکز اصلی بر نقش دولت، بازار و حمایت‌های تجاری در تأمین منابع بوده است؛ در حالی که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در جوامعی که دارای پیشینه تاریخی و فرهنگی وقف هستند، می‌توان از ظرفیت نهادهای بومی و ارزش‌محور برای ایجاد مدل‌های پایدار توسعه ورزش بهره گرفت. بنابراین، مدل ارائه‌شده در این پژوهش، مکمل رویکردهای رایج تأمین مالی ورزش است و نشان می‌دهد که وقف می‌تواند به عنوان یک مسیر سوم میان وابستگی دولتی و حمایت‌های تجاری کوتاه‌مدت عمل کند.

شرایط علّی: از انگیزه فردی تا مسئولیت اجتماعی

یافته‌های پژوهش نشان داد که شکل‌گیری وقف ورزشی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، انگیزشی و فرهنگی قرار دارد. یکی از یافته‌های مهم این مطالعه آن است که تصمیم به وقف در بستر ایرانی-اسلامی صرفاً نتیجه محاسبه عقلانی اقتصادی نیست، بلکه با مفاهیمی مانند ماندگاری اجتماعی، مسئولیت اخلاقی و استمرار اثر فرد پس از مرگ پیوند دارد. این یافته با مطالعات پیشین (41) درباره نقش انگیزه‌های معنوی، نوع‌دوستانه و هویتی در رفتارهای خیرخواهانه همسو است؛ با این تفاوت که در نظام وقف، این انگیزه‌ها در قالب یک سازوکار نهادی تثبیت شده و اثر آن‌ها به یک اقدام کوتاه‌مدت محدود نمی‌شود.

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

به بیان دیگر، وقف دارای ماهیتی دوگانه است؛ از یک سو از انگیزه‌های درونی فرد سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر، از طریق ساختار حقوقی و اجتماعی خود، این انگیزه را به منفعتی عمومی و پایدار تبدیل می‌کند. همین ویژگی، وقف را از بسیاری از اشکال رایج کمک‌های خیرخواهانه متمایز می‌سازد؛ زیرا در اغلب مدل‌های خیریه، استمرار اثرگذاری به تداوم حمایت خیر وابسته است، در حالی که در وقف، اصل دارایی حفظ شده و منافع آن در بلندمدت تداوم می‌یابد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که نقش خانواده، فقدان وارث و تمایل به حفظ میراث اجتماعی، وقف را به نوعی «انتقال هویت» تبدیل می‌کند. در این معنا، واقف نه‌تنها دارایی خود، بلکه ارزش‌ها، باورها و تصویری از خود را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کند. این تفسیر، ادبیات رفتارهای بشردوستانه را توسعه می‌دهد و نشان می‌دهد که در بافت‌های فرهنگی خاص، انگیزه‌های خیرخواهانه تنها بر نوع‌دوستی فردی استوار نیستند، بلکه با مفاهیم هویتی و فرهنگی نیز درهم‌تنیده‌اند.

ماهیت وقف: از کمک مقطعی به سازوکار توسعه پایدار

یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش، ویژگی‌های ذاتی وقف شامل تداوم، انعطاف‌پذیری و هدف‌مندی آن بود. مطالعات پیشین (42, 43) نیز وقف را به عنوان نهادی اقتصادی و اجتماعی برای تأمین رفاه پایدار معرفی کرده‌اند ما یافته حاضر نشان می‌دهد ارزش اصلی وقف در حوزه ورزش تنها در ایجاد منابع مالی نیست، بلکه در ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری برای برنامه‌های توسعه‌ای نهفته است.

این موضوع در ورزش اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بسیاری از برنامه‌های توسعه ورزش، به‌ویژه در سطح پایه و اجتماعی، به دلیل وابستگی به بودجه‌های سالانه دولتی یا حمایت‌های مقطعی با مشکل پایداری مواجه هستند. بنابراین، وقف می‌تواند یک منبع مالی بلندمدت ایجاد کند که از منطق متفاوتی نسبت به حمایت مالی تجاری برخوردار است. در حمایت مالی ورزشی، معمولاً انتظار بازگشت اقتصادی، دیده‌شدن برند یا منافع بازاریابی وجود دارد، اما در وقف، ارزش اصلی در تداوم منفعت اجتماعی تعریف می‌شود. از این منظر، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وقف ورزشی نه فقط یک ابزار اقتصادی، بلکه یک سازوکار نهادی برای حفظ و بازتولید ارزش‌های اجتماعی در ورزش است. این برداشت، جایگاه وقف را از یک منبع مالی حاشیه‌ای به یک عنصر بالقوه در نظام حکمرانی ورزش ارتقا می‌دهد.

شرایط زمینه‌ای: نقش نهادها، اعتماد و ظرفیت اجتماعی ورزش

یافته‌های پژوهش نشان داد که تحقق ظرفیت وقف در توسعه ورزش صرفاً به وجود واقف یا انگیزه‌های فردی وابسته نیست، بلکه به کیفیت محیط نهادی و اجتماعی نیز بستگی دارد. وقف زمانی می‌تواند به یک سازوکار مؤثر توسعه‌ای تبدیل شود که میان واقف، متولی، سازمان‌های ورزشی و جامعه رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و پاسخگویی شکل گیرد. این یافته با مطالعات حکمرانی ورزشی و مدیریت سازمان‌های غیرانتفاعی(44, 45) همسو است که مشروعیت و اثربخشی نهادهای اجتماعی را وابسته به شفافیت، ظرفیت مدیریتی و سازوکارهای پاسخگویی می‌دانند. با این حال، پژوهش حاضر این ادبیات را در زمینه‌ای فرهنگی متفاوت گسترش می‌دهد و نشان می‌دهد در نهادهایی مانند وقف که مشروعیت آن‌ها علاوه بر ساختار رسمی، بر باورهای اخلاقی و مذهبی نیز استوار است، اعتماد اجتماعی هم شرط مشارکت واقفان و هم پیامد عملکرد شفاف و صحیح متولیان است.

به بیان دیگر، توسعه وقف ورزشی مستلزم شکل‌گیری زنجیره‌ای از اعتماد است؛ به‌گونه‌ای که واقف از حفظ نیت خود اطمینان یابد، متولی از مشروعیت مدیریتی برخوردار باشد و جامعه آثار اجتماعی موقوفه را مشاهده کند. ازاین‌رو، شفافیت در این مدل صرفاً یک الزام اداری نیست، بلکه عاملی فرهنگی برای بازتولید مشارکت اجتماعی است.

یافته‌ها همچنین نشان داد که ویژگی‌های ذاتی ورزش، از جمله گستردگی مخاطبان، جذابیت اجتماعی و توانایی ایجاد ارتباط میان گروه‌های مختلف، ظرفیت ویژه‌ای برای پیوند با وقف فراهم می‌کند. این یافته با ادبیات «ورزش برای تغییر اجتماعی» (46, 47) همسو است که ورزش را بستری برای ایجاد سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی می‌داند. با این حال، پژوهش حاضر نشان می‌دهد این ظرفیت به‌تنهایی به توسعه وقف ورزشی منجر نمی‌شود،

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

بلکه مستلزم طراحی سازوکارهای ارتباطی و مدیریتی مناسب است. بنابراین، جذابیت ورزش یک فرصت است، اما تبدیل آن به جریان پایدار وقف، به نهادسازی و مدیریت حرفه‌ای وابسته است.

شرایط مداخله‌گر: تنش میان سنت وقف و الزامات مدیریت مدرن

یکی از یافته‌های مهم این پژوهش، شناسایی مجموعه‌ای از عوامل بازدارنده بود که نشان می‌دهد رابطه میان فرهنگ وقف و توسعه ورزش یک رابطه خطی و خودکار نیست. اگرچه وقف از پشتوانه تاریخی و فرهنگی قدرتمندی برخوردار است، اما انتقال آن به حوزه ورزش با چالش‌هایی مانند ضعف آگاهی عمومی، پیچیدگی‌های اداری، محدودیت‌های حقوقی و تغییر ارزش‌های نسل جدید مواجه است. این یافته نشان می‌دهد که توسعه وقف ورزشی با یک مسئله مهم مواجه است: ضرورت سازگاری یک نهاد سنتی با نیازهای یک حوزه مدرن و پیچیده. از یک سو، مشروعیت وقف از سنت تاریخی، باورهای مذهبی و ارزش‌های فرهنگی آن ناشی می‌شود؛ از سوی دیگر، ورزش امروز نیازمند مدیریت تخصصی، ارتباطات نوین، شفافیت اطلاعاتی و پاسخگویی سازمانی است. بنابراین، موفقیت وقف ورزشی وابسته به توانایی ایجاد تعادل میان «حفظ اصالت فرهنگی» و «نوآوری مدیریتی» است.

این نتیجه با دیدگاه موجود درباره تغییر الگوهای مشارکت اجتماعی نسل جدید همخوان است (48). نسل‌های جدید ممکن است ارتباط کمتری با شیوه‌های سنتی مشارکت داشته باشند، اما این به معنای کاهش ظرفیت مشارکت نیست؛ بلکه نشان می‌دهد ابزارهای ارتباطی و شیوه‌های ارائه پیام باید متناسب با تغییرات اجتماعی بازطراحی شوند.

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش درباره بروکراسی و موانع اداری نشان می‌دهد که حتی وجود انگیزه‌های قوی خیرخواهانه نیز بدون سازوکارهای تسهیل‌کننده ممکن است به مشارکت عملی منجر نشود. این موضوع با مطالعات مدیریت ورزشی سازگار است که نشان می‌دهند محیط نهادی و ظرفیت سازمانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل منابع بالقوه به نتایج واقعی دارند (49).

راهبردها: تبدیل سرمایه فرهنگی به ظرفیت توسعه‌ای

یافته‌های پژوهش شش راهبرد اصلی را برای تبدیل ظرفیت وقف به توسعه ورزشی شناسایی کرد. نکته مهم این است که این راهبردها صرفاً اقدامات اجرایی نیستند، بلکه حلقه اتصال میان ارزش‌های فرهنگی وقف و الزامات مدیریت مدرن ورزش محسوب می‌شوند. نخست، ایجاد ساختارهای سازمانی و مدیریتی مشخص نشان می‌دهد که وقف ورزشی برای موفقیت نیازمند عبور از رویکرد فردمحور به سمت رویکرد نهادمحور است. در بسیاری از الگوهای سنتی، موفقیت وقف وابسته به شخصیت واقف یا متولی بوده است؛ اما یافته‌های حاضر نشان می‌دهد توسعه ورزش از طریق وقف نیازمند ایجاد سیستم‌هایی است که حتی فراتر از افراد نیز بتوانند تداوم و اثربخشی را تضمین کنند. این موضوع با پژوهش‌ها درباره اهمیت ظرفیت سازمانی در پایداری سازمان‌های ورزشی غیرانتفاعی همخوان است (۵۰).

دوم، شفافیت و دیجیتالی‌سازی به عنوان یک راهبرد اساسی شناسایی شد. اهمیت این یافته در آن است که فناوری در اینجا صرفاً ابزار مدیریتی نیست، بلکه نقش سازوکار اعتمادسازی دارد. ثبت اطلاعات، گزارش‌دهی عملکرد و امکان مشاهده نتایج وقف می‌تواند فاصله میان نیت واقف و ادراک جامعه از عملکرد موقوفه را کاهش دهد.

سوم، ترویج و الگوسازی نشان می‌دهد که توسعه وقف ورزشی نیازمند تغییر در روایت اجتماعی آن است. در حال حاضر، وقف در بسیاری از جوامع بیشتر با حوزه‌هایی مانند مذهب، درمان یا آموزش شناخته می‌شود؛ بنابراین، انتقال این مفهوم به ورزش نیازمند ایجاد نمونه‌های موفق، روایت‌سازی رسانه‌ای و معرفی الگوهای قابل مشاهده است. این یافته با نظریه یادگیری اجتماعی همخوان است که بر نقش تجربه‌های مشاهده‌شده و مشارکت اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای جدید تأکید دارد (۵۱).

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

چهارم، نیازسنجی و تخصیص هدفمند منابع اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا وقف زمانی می‌تواند مشروعیت اجتماعی خود را حفظ کند که پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه باشد. بنابراین، توسعه وقف ورزشی نباید صرفاً به افزایش تعداد موقوفات محدود شود، بلکه باید بر میزان اثرگذاری اجتماعی آن‌ها تمرکز کند.

پیامدها: فراتر از تأمین مالی ورزش

یافته‌های پژوهش نشان داد که پیامدهای وقف ورزشی محدود به ایجاد منابع مالی نیست، بلکه می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری مانند افزایش عدالت اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه فرهنگ مشارکت ایجاد کند. این یافته با چارچوب ورزش برای توسعه و صلح همخوان است که ورزش را ابزاری برای کاهش نابرابری، افزایش مشارکت اجتماعی و توانمندسازی گروه‌های کمتر برخوردار می‌داند (47, 52). با این حال، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وقف می‌تواند این اهداف را در یک بستر فرهنگی بومی دنبال کند؛ یعنی به جای استفاده از مدل‌های صرفاً بیرونی توسعه، از یک نهاد اجتماعی ریشه‌دار در جامعه بهره گیرد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظری این پژوهش، معرفی وقف به عنوان «سرمایه نهادی فرهنگی» برای توسعه ورزش است. در این نگاه، وقف نه فقط یک منبع مالی، بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، اعتماد اجتماعی و سازوکارهای مشارکت است که می‌تواند ظرفیت توسعه‌ای ایجاد کند.

سهم نظری پژوهش و نتیجه‌گیری نهایی

مدل پارادایمی ارائه‌شده در این پژوهش سه دستاورد نظری مهم دارد. نخست، نشان می‌دهد که توسعه ورزش از طریق وقف نتیجه تعامل میان عوامل فردی، فرهنگی و نهادی است و نمی‌توان آن را تنها با انگیزه واقف یا منابع مالی توضیح داد. دوم، این پژوهش تا حدودی توانست مفهوم وقف را از یک ابزار تأمین مالی به یک سازوکار حکمرانی اجتماعی ارتقاء دهد که می‌تواند در مدیریت پایدار ورزش نقش‌آفرینی کند. سوم، مدل حاضر نشان می‌دهد که موفقیت وقف ورزشی وابسته به ایجاد چرخه‌ای از انگیزه، اعتماد، شفافیت، مدیریت حرفه‌ای و پیامدهای اجتماعی قابل مشاهده است.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وقف می‌تواند به‌عنوان پلی میان میراث فرهنگی جامعه و نیازهای جدید توسعه ورزش عمل کند. با این حال، تحقق این ظرفیت نیازمند رویکردی ترکیبی است که در آن ارزش‌های سنتی وقف با اصول جدید حکمرانی، شفافیت و مدیریت علمی تلفیق شود.

از منظر کاربردی، این مدل می‌تواند برای سیاست‌گذاران ورزشی، مدیران سازمان‌های مرتبط با وقف و برنامه‌ریزان توسعه ورزش، چارچوبی برای طراحی سیاست‌های مشارکت‌محور فراهم کند. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده، این مدل را در سایر مناطق کشور بررسی کرده و امکان ترکیب وقف ورزشی با سایر سازوکارهای تأمین مالی اجتماعی را مورد مطالعه قرار دهند.

محدودیت‌ها و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

با وجود دستاوردهای این پژوهش، برخی محدودیت‌ها باید در تفسیر و تعمیم یافته‌ها مورد توجه قرار گیرد. نخست، این مطالعه در چارچوب فرهنگی، اجتماعی و نهادی خاص استان زنجان انجام شد؛ بنابراین، انتقال‌پذیری مدل توسعه‌یافته به سایر مناطق کشور یا جوامع با زمینه‌های فرهنگی متفاوت نیازمند بررسی‌های بیشتر است. تفاوت‌های منطقه‌ای در پیشینه وقف، ساختارهای مدیریتی، نگرش‌های اجتماعی و ظرفیت‌های ورزشی می‌تواند بر چگونگی شکل‌گیری و اجرای مدل‌های وقف ورزشی تأثیرگذار باشد.

دوم، با توجه به ماهیت کیفی و رویکرد نظریه داده‌بنیاد پژوهش، مدل ارائه‌شده حاصل ادراکات، تجربیات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان منتخب از میان ذی‌نفعان حوزه وقف و ورزش است؛ ازاین‌رو، این مدل با هدف تعمیم آماری ارائه نشده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، اعتبارسنجی مدل پیشنهادی با استفاده از روش‌های کمی،

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری یا پیمایش در میان جامعه گسترده‌تری از مدیران، واقفان و فعالان ورزشی انجام شود.

سوم، تمرکز این پژوهش عمدتاً بر شناسایی سازوکارهای نهادی، عوامل مؤثر و ادراک ذی‌نفعان درباره نقش وقف در توسعه ورزش بوده است و به بررسی عینی پیامدهای اجرایی و عملکردی مدل‌های وقف ورزشی نپرداخته است. ازاین‌رو، پژوهش‌های آینده می‌توانند با بررسی نمونه‌های واقعی موقوفات ورزشی، میزان اثربخشی، پایداری مالی، پیامدهای اجتماعی و عملکرد عملی این مدل‌ها را در شرایط مختلف ارزیابی کنند.

چهارم، تأثیر احتمالی وابستگی سازمانی برخی مشارکت‌کنندگان و حمایت سازمانی بر دیدگاه‌های آنها نیز می‌تواند به عنوان محدودیت دیگر در نظر گرفته شود.

همچنین، مطالعات آینده می‌توانند نقش عوامل دیگری مانند سیاست‌های حمایتی دولت، مشوق‌های اقتصادی، نقش فناوری‌های نوین در مدیریت موقوفات و مقایسه مدل‌های وقف ورزشی با سایر شیوه‌های تأمین مالی ورزش را مورد بررسی قرار دهند تا درک جامع‌تری از ظرفیت وقف به عنوان یک سازوکار توسعه پایدار ورزش فراهم شود.

حمایت مالی

این پژوهش با حمایت مالی اداره ورزش و جوانان استان زنجان و در قالب طرح پژوهشی مصوب اجرا شده است (شماره کمک هزینه: ۸۲۲۸/۲۶).

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌نمایند که هیچگونه تضاد منافعی در انجام این تحقیق نداشته‌اند.

قدردانی

نویسندگان مراتب قدردانی صمیمانه خود را از همه مصاحبه‌شوندگان که اطلاعات و زمان ارزشمندشان، هسته اصلی این مطالعه را تشکیل داد، ابراز می‌دارند. همچنین از حمایت مالی اداره کل ورزش و جوانان استان زنجان که امکان انجام این تحقیق را فراهم کرد، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

فهرست منابع

1. اصغری پ، غفاری م. رویکرد دین اسلام دربارهٔ نقش فعالیت بدنی در حفظ سلامت جسمانی عمومی جامعه. مجله پژوهش در دین و سلامت. ۲۰۲۴؛۱۰(۲):۱۳۱-۴۰.
2. Misener L, Mason DS. Creating community networks: Can sporting events offer meaningful sources of social capital? Managing leisure. 2006;11(1):39-56.
3. Kumar H, Manoli AE, Hodgkinson IR, Downward P. Sport participation: From policy, through facilities, to users' health, well-being, and social capital. Sport management review. 2018;21(5):549-62.
4. Gratton C, Shibli S, Coleman R. The economic impact of major sports events: a review of ten events in the UK. The Sociological Review. 2006;54(2_suppl):41-58.
5. Misener L, Schulenkorf N. Rethinking the social value of sport events through an asset-based community development (ABCD) perspective. Journal of Sport Management. 2016;30(3):329-40.
6. Swart J, Swanepoel M, Surujlal J. A critical analysis of government spending on sport: mass participation and school allocation: sport administration. African Journal for Physical Health Education, Recreation and Dance. 2014;20(sup-2):251-65.
7. Kuran T. The provision of public goods under Islamic law: Origins, impact, and limitations of the waqf system. Law & society review. 2001;35(4):841-97.

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

8. Shaikh SA, Ismail AG, Mohd Shafiai MH. Application of waqf for social and development finance. ISRA International Journal of Islamic Finance. 2017;9(1):5-14.
9. میکانیکی, شاطری, مفید, قربانی. آثار اقتصادی-اجتماعی وقف در توسعه فضای روستایی (مورد مطالعه: شهرستان خوسف). مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان. ۲۰۲۴;۱۸(۳):۱۹۳-۲۲۶.
10. افروزه م, افروزه ح, کاملی ف. شناسایی عوامل مؤثر بر جذب خیران و واقفان در ورزش. مطالعات مدیریت ورزشی. ۲۰۱۸;۹(۴۶):۱۵۷-۷۴.
11. خادم ا. شناسایی و مدلسازی عوامل موثر بر جذب منابع خیریه و وقف به ورزش زنان. فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۰۱۹;۳۰۳:۴۳-۱۹.
12. دلدار, باقری راغب, قدرت‌الله, شهپرتوفیق, آزیتا. شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر مشارکت در فعالیت‌های خیریه از سوی خیرین ورزش یار. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۰۲۲;۵۶(۲۱):۲۱۳-۲۸.
13. ه, علی‌محمد ص, طراحی مدل جامع جذب خیرین در ورزش با رویکرد نظریه سارا اپ, علی‌اصغر د, حبیب داده بنیاد. جامعه پژوهی فرهنگی. ۲۰۲۰;۳۸(۱۱):۳۱-۶۲.
14. صفایی‌پور م, سیاحی ز, زرگرشوشتری م, داری پور ن. بررسی تاثیر وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز؛ مطالعه موردی منطقه یک. پژوهش و برنامه ریزی شهری. ۲۰۱۴;۵(۱۶):۵۹-۱۰۴.
15. Elmahgop F, Alsulami F, Mohammed MGA, Abdel-Gadir S, Elhassan T. The Socio-Economic Impacts of Waqf Investment Funds as a Model for Sustainable Financing in Saudi Arabia. Sustainability. 2025;17(9):3805.
16. Rusydiana AS, Sukmana R, Laila N, Riani R. Waqf Development Models for Sustainable Development Goals: An Analytic Network Process Approach. International Journal of Islamic Finance and Sustainable Development. 2025;17(1):51–74-51–74.
17. Kahf M. The Role of Waqf In Improving The Ummah Welfare. The International Seminar on "Waqf as a Private Legal Body," 1–26. 2003.
18. Kamali MH. Shari'ah Law: An Introduction. One world Publication. 2008.
19. Kamaruddin MIH, Hanefah MM. An empirical investigation on waqf governance practices in waqf institutions in Malaysia. Journal of Financial Reporting and Accounting. 2021;19(3):455-73.
20. Najmuddin IN, Ishak AH. Systematic Literature Review on Waqf Issues and Challenges to Sustain Waqf Development Initiatives. Finance and Law in the Metaverse World: Regulation and Financial Innovation in the Virtual World. 2024:1-11.
21. Rahmalan MT, Hussin MFA. A Systematic Review of Contemporary and Innovative Waqf Sources: Cash and Service Waqf. Jurnal Syariah. 2021;29(2):289-316.
22. Swadia GM, Afifa T. Environmentally Friendly Waqf Model: A Response to Sustainable Economic Development and the Presence of a Circular Economy. JOURNAL OF LSLAMIC ECONOMICS AND BUSSINES ETHICS Учредители: IAIN Syekh Nurjati Cirebon. 2025;2(1):68-93.
23. Asyari A, Hoque ME, Susanto P, Begum H, Awaluddin A, Marwan M, et al. Online cash waqf behavioral intention: the role of knowledge of cash waqf and trust. Journal of Islamic Marketing. 2024;15(11):2864-90.
24. Kamaruzaman NR, Ishak MSI. Waqf Institutions: A Systematic Literature Review On Governance, Financial Models, And Socio-Economic Impact In Islamic Social Finance. Advanced International Journal of Business, Entrepreneurship and SMEs. 2023;5(18):134-51.
25. Mohaiyadin NMH, Aman A, Palil MR, Said SM. Addressing accountability and transparency challenges in waqf management using blockchain technology. Journal of Islamic Monetary Economics and Finance. 2022;8:53-80.

نسخه پذیرفته شده ارسال

26. Mustafa O, Ogunbado AF. Examining the traditional Waqf-based financing methods and their implications on socio-economic development. IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM). 2015;17(2):119-25.
27. Johan J, Yusof A, Omar I. Waqf for financial sustainability of higher education in Malaysia: issues and challenges. World Applied Sciences Journal. 2016;34(9):1167-72.
28. Kamarubahrin AF, Ayedh AMA, Khairi KF. Accountability practices of waqf institution in selected states in Malaysia: A critical analysis. International Journal of Economics, Management and Accounting. 2019;27(2):331-52.
29. Putri FI. Performance of waqf fund efficiency managed by zakat institutions in Indonesia. International Journal of Waqf. 2022;2(1).
30. Abd Aziz NA, Sapuan NM, Tamyez PFM, Nasution N. The roles of good governance to sustain health waqf: A scoping review. Journal of Governance and Integrity. 2025;8(1):901-6.
31. Babiak K, Yang D. Team ownership and philanthropy in professional sport: A perspective on organizational generosity. Frontiers in sports and active living. 2022;4:798919.
32. Ratten V. The future of sports management: A social responsibility, philanthropy and entrepreneurship perspective. Journal of Management & Organization. 2010;16(4):488-94.
33. Smith AC, Westerbeek HM. Sport as a vehicle for deploying corporate social responsibility. Journal of corporate citizenship. 2007(25):43-54.
34. Trendafiova S, Ziakas V, Sparvero E. Linking corporate social responsibility in sport with community development: An added source of community value. Sport in Society. 2017;20(7):938-56.
35. Cobourn S, Frawley S. CSR in professional sport: An examination of community models. Managing Sport and Leisure. 2017;22(2):113-26.
36. Anagnostopoulos C, Winand M, Papadimitriou D, Zeimers G. Implementing corporate social responsibility through charitable foundations in professional football: The role of trustworthiness. Managing Sport and Leisure. 2024;29(5):771-91.
37. Kahf M. Waqf and Islamic Capital Market Instruments: Analysis and Application. Islamic Capital Markets: Islamic Development Bank; 2003.
38. Babiak K, Wolfe R. More than just a game? Corporate social responsibility and Super Bowl XL. Sport marketing quarterly. 2006;15(4):214-22.
39. Strauss A, Corbin J. Basics of qualitative research techniques. 1998.
40. Guba EG, Lincoln YS. Competing paradigms in qualitative research. Handbook of qualitative research. 1994;2(163-194):105.
41. Bekkers R, Wiepking P. Who gives? A literature review of predictors of charitable giving part one: Religion, education, age and socialisation. Voluntary Sector Review. 2011;2(3):337-65.
42. Ishak A, Kamaruzaman K, Ismail C. Reflecting sustainablity in waqf land development projects. Acad Entrepreneursh J. 2023;29(4):1-11.
43. Ishak AH, Mohamad SNA, Abd Latib NA, Anwari AS. Waqf as a Sustainable Economic Institution for Community Welfare. Environment-Behaviour Proceedings Journal. 2025;10(31):325-30.
44. Geeraert A, Mrkonjic M, Chappelet J-L. A rationalist perspective on the autonomy of international sport governing bodies: towards a pragmatic autonomy in the steering of sports. International journal of sport policy and politics. 2015;7(4):473-88.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

45. Král P, Cuskelly G. A model of transparency: Determinants and implications of transparency for national sport organizations. European Sport Management Quarterly. 2018;18(2):237-62.
46. Misener K, Doherty A. A case study of organizational capacity in nonprofit community sport. Journal of sport management. 2009;23(4):457-82.
47. Schulenkorf N, Sherry E, Rowe K. Sport for development: An integrated literature review. Journal of sport management. 2016;30(1):22-39.
48. Edwards MB. The role of sport in community capacity building: An examination of sport for development research and practice. Sport management review. 2015;18(1):6-19.
49. Wicker P, Breuer C. Understanding the importance of organizational resources to explain organizational problems: Evidence from nonprofit sport clubs in Germany. VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations. 2013;24(2):461-84.
50. Doherty A, Misener K, Cuskelly G. Toward a multidimensional framework of capacity in community sport clubs. Nonprofit and voluntary sector quarterly. 2014;43(2_suppl):124S-42S.
51. Wenger E. Communities of practice: Learning, meaning, and identity: Cambridge university press; 1999.
52. Coalter F. Sport for development: What game are we playing?: Routledge; 2013.

نسخهٔ پذیرفته‌شده پیش از انتشار